

نقش سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی

مصطفی ساوه درودی
حامد توسلی

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش حیاتی سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری با بحران‌های امنیتی می‌پردازد. بحران‌های امنیتی به عنوان تهدیدات جدی برای امنیت و رفاه جامعه، نیازمند واکنش‌های آگاهانه و مؤثر از سوی شهروندان هستند و رسانه‌ها در این میان، نقشی دوگانه در شکل‌دهی به افکار عمومی و انتقال اطلاعات ایفا می‌کنند. هدف از این پژوهش بررسی نقش سواد رسانه‌ای شهروندان در بحران‌های امنیتی است و درصدد پاسخگویی به این سؤال است که سواد رسانه‌ای در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی چه نقشی دارد؟

این پژوهش از نوع کاربردی و با روش توصیفی انجام شده است. جامعه آماری شامل ۷۰ نفر از خبرگان و کارشناسان رسانه، سواد رسانه‌ای، علوم ارتباطات و حوزه بحران‌های امنیتی است که به صورت تمام‌شمار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه بوده و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای، شهروندان را قادر می‌سازد تا با استفاده از مهارت‌های تحلیلی و انتقادی، نشانه‌های اولیه بحران را شناسایی و از شکل‌گیری آن پیشگیری کنند. توانایی تحلیل دقیق پیام‌های رسانه‌ای و استفاده از مهارت‌های انتقادی از جنبه‌های مؤثر سواد رسانه‌ای در این مرحله محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

رسانه، سواد رسانه‌ای، بحران، بحران امنیتی، شکل‌گیری بحران

مقدمه

امروزه، وجود عصر انفجار اطلاعات بر همگان واضح است. در پایان قرن بیستم به علت تغییر و تحولات بسیار عظیم علمی، فناوریانه، جهان دچار دگرگونی‌های بسیار شد که در همه زمینه‌های زندگی بشر همچون مسائل امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تأثیرگذار بود. جهان تحت تأثیر این تحولات شکل جدید به خود گرفت. با پیدایش شبکه‌های نوین و جهانی اطلاعات و ارتباطات و تأثیرپذیری همه ابعاد زندگی بشر از انقلاب فناوریانه، جهان وارد جامعه جدیدی شده است که بعضی از محققان آن را جامعه اطلاعاتی نامیده‌اند (اسمعیل پونکی، ۱۳۹۵: ۵۸۲).

در این میان، رسانه به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فناوری‌ها، جایگاه ویژه‌ای یافته است. تمامی وسایل ارتباطی که به انتشار گسترده اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرات می‌پردازند، جزء رسانه‌ها محسوب می‌شوند. قدرت رسانه‌ای، به عنوان ابزاری تحول‌آفرین در نظام بین‌الملل و در عصر اطلاعات، مورد توجه جدی دولت‌ها و ملت‌ها قرار گرفته است. رسانه‌ها با برخورداری از ویژگی‌هایی چون سرعت در اطلاع‌رسانی، اثرگذاری بر باورهای فکری و جهت‌دهی به نگرش توده‌ها، می‌توانند با نفوذ بر دانش و چارچوب‌های فکری جامعه، بر تصمیمات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی تأثیرگذار باشند (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۱۵).

رسانه‌ها به دلیل قابلیت جذب مخاطب انبوه و توانایی شکل‌دهی به افکار عمومی، نقش قابل توجهی در ایجاد بحران‌ها دارند و به جزء جدایی‌ناپذیر آن‌ها تبدیل شده‌اند (مالکی، ۱۳۹۸: ۷۳).

در چنین شرایطی، نیاز به ابزاری به نام «سواد رسانه‌ای» احساس می‌شود. سواد رسانه‌ای به مجموعه دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایی اشاره دارد که برای استفاده و تفسیر رسانه‌ها مورد نیاز است. سواد رسانه‌ای به مخاطب کمک می‌کند تا سطح اطلاعات و دانش خود را ارتقا داده و با بینش و آگاهی لازم به تولید و تفسیر پیام‌ها بپردازد (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۶). در واقع، سواد رسانه‌ای به معنای عدم انفعال مخاطب در برابر رسانه و هوشمندانه و فعالانه عمل کردن در برابر محتوای رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای با تأکید بر تفکر انتقادی

و استدلالی، مخاطبان را به صورت پویا و فعال با تولیدات رسانه‌ای آشنا می‌کند (قادری، ۱۳۹۲: ۲۵).

داشتن اطلاعات و آگاهی لازم در زمینه بهره‌مندی از پیام‌های رسانه‌ای، استفاده مخاطب از رسانه‌ها را مؤثرتر، پویاتر و لذت بخش‌تر نموده و مانع از تأثیرپذیری آسان از ایدئولوژی‌های خاص رسانه‌ای می‌شود. با توجه به تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر تمامی ابعاد زندگی، آموزش سواد رسانه‌ای اهمیت ویژه‌ای یافته است.

در فضای سرشار از اطلاعات، سواد رسانه‌ای بستری منطقی برای دسترسی، تجزیه و تحلیل و تولید ارتباط در شکل‌های گوناگون رسانه‌ای فراهم می‌آورد. در شرایط اشباع رسانه‌ای، افراد در معرض حجم بالایی از اطلاعات هستند که به برخی از آن‌ها نیازی ندارند. سواد رسانه‌ای به افراد کمک می‌کند تا از پیام‌ها و اطلاعات اطراف خود بر اساس نیازهایشان استفاده کنند و از سردرگمی جلوگیری نمایند.

نقش رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر فضای مجازی، در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی غیرقابل‌انکار است. بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و مباحث امنیتی بر این باورند که استفاده صحیح از ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی می‌توانست تحدید بحران‌های امنیتی را در بازه زمانی کوتاه‌تری رقم‌زده و هزینه‌های کمتری به سرمایه‌های اجتماعی و معنوی کشور تحمیل کند.

بیان مسئله

انسان در گذر زمان با تحولات عمیق و گسترده‌ای در مسیر زندگی روبه‌رو شد که گاهی اوقات او را در تنگنای سختی قرار داد. این تحولات که به عنوان بحران شناخته می‌شوند، جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر به شمار می‌روند (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۲). در دهه‌های اخیر، شاهد افزایش بی‌سابقه‌ای در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی در سطح جهان بوده‌ایم. این بحران‌ها به‌طور خاص ناشی از تهدیدات متنوعی از جمله تروریسم، جنگ‌های داخلی، جرائم سایبری و سایر تهدیدات امنیتی هستند که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جوامع و کشورها دارند. شکل‌گیری این بحران‌ها معمولاً به عوامل مختلفی از جمله تداوم تنش‌ها، اختلافات فرهنگی و سیاسی، تحولات اقتصادی و اجتماعی، ترویج اخبار

جعلی یا نادرست، فقدان یا ضعف سیاست‌های مدیریتی و حتی عدم آمادگی جامعه برای مواجهه با چالش‌های امنیتی برمی‌گردد.

رسانه‌ها به عنوان منبع و منشأ بسیاری از بحران‌ها در سطوح مختلف، نقش مهمی در شکل‌گیری آن‌ها دارند. رسانه قادر است رویداد یا حادثه‌ای را به هر نحو ممکن تفسیر کند و از نیست، هست بسازد یا برعکس، هست را تبدیل به نیست نماید (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۲).

با رشد رسانه‌های جمعی در قرن بیستم، موانع دسترسی به اطلاعات کاهش یافته است. امروزه، مسئله اساسی نه دسترسی به اطلاعات، بلکه انفجار و اضافه‌بار اطلاعاتی است. شتاب بالایی تولید و به اشتراک‌گذاری اطلاعات، توانایی تحلیل و تفسیر آن‌ها را کاهش داده است که به شکل‌گیری بحران‌های جدید منجر می‌شود. اضافه‌بار اطلاعاتی می‌تواند منجر به سوگیری‌ها و برداشت‌های غلط شود که آثار منفی بر کشور دارد.

سواد رسانه‌ای نوعی درک متکی بر مهارت است که به افراد کمک می‌کند تا انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناسایی و تفکیک نمایند (شکرخواه، ۱۳۸۵: ۲۷). سواد رسانه‌ای عامل مؤثری در مقابله با اضافه‌بار اطلاعاتی است و به افراد کمک می‌کند سطح آگاهی و دانش خود را ارتقاء بخشند و پیام‌هایی که از رسانه‌های مختلف دریافت می‌کنند، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهند (طلوعی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

این پژوهش به بررسی نقش سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی می‌پردازد. سواد رسانه‌ای به عنوان توانایی فهم و تفسیر صحیح اطلاعات و ارزیابی منابع رسانه‌ای، اهمیت بسزایی دارد. رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی اصلی در انتشار اطلاعات و افکار عمومی، می‌توانند در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی نقش داشته باشند. انتشار اخبار نادرست، شایعات و تحریک احساسات مردم، می‌تواند به شکل‌گیری تنش‌ها و درگیری‌ها منجر شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به گسترده‌گی تأثیر رسانه‌ها، بررسی نقش سواد رسانه‌ای در بحران‌های امنیتی اهمیت بالایی دارد. عدم آگاهی از اصول سواد رسانه‌ای می‌تواند موجب انتشار اطلاعات نادرست، تشدید تنش‌ها و کاهش امنیت عمومی شود.

دلایل اهمیت تحقیق

- ایجاد سواد رسانه در بین مردم باعث حفظ آرامش و ثبات نظام سیاسی می‌شود.
- شناخت نقش‌های مختلف سواد رسانه‌ای در بروز بحران‌های مختلف باعث افزایش ظرفیت تحلیل شهروندان در مواجهه با رسانه‌ها و منفعل نبودن در برابر محتوای پیام‌های رسانه‌ای مختلف می‌گردد.

- تحقیق درباره نقش سواد رسانه می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره رسانه‌ها، اخبار جعلی، فیلتر بازی و... کمک کند و مردم را برای تشخیص و پاسخگویی به بحران‌های امنیتی آماده سازد.

دلایل ضرورت تحقیق

- ضعف شناخت لازم و کافی در زمینه نقش‌های مختلف سواد رسانه‌ای باعث شکل‌گیری بحران‌های امنیتی می‌شود.

- عدم سواد رسانه‌ای شهروندان می‌تواند منجر به باور اخبار و اطلاعات غیرواقعی شود.
- عدم اقناع و گفتمان‌سازی درست در بین آحاد جامعه باعث می‌شود مخاطب دچار سردرگمی شده و اداره جامعه از کنترل خارج شود.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی نقش رسانه‌ها و سواد رسانه‌ای در مدیریت بحران‌ها پرداخته‌اند.

فولادوند (۱۳۹۸) در پژوهش «نقش سواد رسانه‌ای در تعمیق باورهای دینی» به این نتیجه رسید که سواد رسانه‌ای در ابعاد تفکر انتقادی، استفاده از فناوری، تولید و پردازش اطلاعات تأثیر معناداری دارد. نکته قابل توجه این‌که سطح سواد رسانه‌ای پاسخگویان در حد متوسط ارزیابی شد و مشخص گردید رسانه‌ها تأثیر عمیق اما ناخودآگاهی بر انباشت اطلاعاتی افراد دارند.

صلواتیان (۱۳۹۰) در مقاله «مدیریت رسانه‌ای بحران؛ رویکردی پیشگیرانه» بر نقش پیشگیرانه رسانه‌ها تأکید کرد. یافته‌های این پژوهش نشان داد رسانه‌ها با رصد مستمر

محیط، آموزش عمومی و ایجاد همبستگی ملی می‌توانند سهم مهمی در پیشگیری و مدیریت بحران‌ها داشته باشند.

در حوزه سواد رسانه‌ای، حسین‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «سواد رسانه ضرورت دنیای امروز» به این نتیجه رسید که سواد رسانه‌ای به عنوان توانایی تحلیل انتقادی پیام‌ها، مخاطبان را در برابر تبلیغات و اطلاعات جهت‌دار مقاوم می‌سازد. این مهارت برای مواجهه هوشمندانه با بحران‌ها ضروری تشخیص داده شد.

حبیب‌زاده ملکی و جوادیان (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای رسانه‌ای در مدیریت بحران» تأکید کردند که مدیریت ارتباط با رسانه‌ها در تمام مراحل بحران (پیش از وقوع، حین بحران و پس از آن) از اهمیت بالایی برخوردار است. آن‌ها دریافتند که رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی شفاف و به موقع می‌توانند نقش کلیدی در شکل‌گیری بحران‌ها ایفا کنند.

مفاهیم و مبانی نظری

رسانه

در عصر جدید، قدرت‌های مطرح دنیا سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی رسانه‌ها انجام داده‌اند تا از طریق آن‌ها به اهداف خود دست یابند. کشورهایی که در امور دانش و فناوری سرمایه‌گذاری می‌کنند، موفق‌تر هستند. قدرت در عصر اطلاعات متعلق به کسانی است که توانایی استفاده بهتر از فناوری را در حوزه‌های داخلی و خارجی دارند. نحوه بهره‌گیری از این فناوری‌ها می‌تواند در جوامع مختلف، جنبه‌های مختلفی از آن‌ها را به نمایش بگذارد (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۱۴).

تعریف رسانه

رسانه از واژه لاتین Medium گرفته شده و به وسایلی اطلاق می‌شود که مورد توجه تعداد زیادی از مردم هستند و از مظاهر تمدن‌های جدید به شمار می‌روند. رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. در فرهنگ عمید، هر وسیله‌ای که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، رسانه تعریف شده است (عمید: ۱۳۹۰: ۱۲۳۴). رسانه به معنای وسیله رساندن یا وسیله

ارتباط جمعی نیز تعریف شده و ابزارهایی هستند که توده‌ای از مردم به طور یکسان به آن‌ها دسترسی دارند (صافی، ۱۳۸۵: ۴۷).

مک لوهان معتقد است «رسانه همان پیام است» و مصداق‌های گسترده‌ای دارد و فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه و مجله محدود نمی‌شود، بلکه شامل ماهواره، اینترنت، سینما، تئاتر، فیلم، نوار صوتی و تصویری، دیسک، سی‌دی، پوستر، عکس، اسلاید، تابلو و گوشی تلفن همراه نیز می‌شود (شهیدی خواه، ۱۳۹۴: ۷۱).

رسانه‌ها به عنوان مجموع ابزارها و روش‌ها برای برقراری ارتباط اجتماعی تعریف شده‌اند و وسیله انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار هستند، مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و لوح فشرده.

رسانه وسیله‌ای است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند، مانند رادیو، تلویزیون، مجله و شبکه‌های رایانه‌ای (انوری، ۱۳۸۱: ۷۸۵).

باکینگهام، رسانه را به عنوان یک ابزار واسطه، وسیله یا نهاد معرفی می‌کند که از طریق آن، تأثیرها یا اطلاعات انتقال می‌یابند (باکینگهام، ۱۳۸۹: ۲۹).

تافلر معتقد است که در تاریخ سه «ابتمدن» فراگیر وجود دارد: کشاورزی، صنعتی و دانش‌پایه. در موج سوم، رسانه‌ها در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند و با ردوبدل کردن داده‌ها، تصاویر و نمادها، یکدیگر را تغذیه می‌کنند (منصورنژاد، ۱۳۸۷: ۵۵).

انواع رسانه

۱. دسته‌بندی بر اساس نوع انتقال پیام:

رسانه‌های نوشتاری: شامل مطبوعات (روزنامه‌ها، مجلات) و کتاب‌ها. ویژگی‌های این رسانه‌ها شامل وسعت خبر، دوام خبر و تنوع اخبار است.

رسانه‌های شنیداری: شامل رادیو. این رسانه‌ها دارای ویژگی‌هایی چون سرعت بالا در انتقال پیام و دسترسی آسان هستند.

رسانه‌های دیداری: شامل سینما، تلویزیون و اینترنت. این رسانه‌ها امکان ارائه تصاویر و ویدئوها را دارند و می‌توانند تعامل بیشتری با مخاطب ایجاد کنند.

رسانه‌های ابزاری: شامل انواع اعلامیه‌ها، کاتالوگ‌ها، بروشورها، تابلوهای اعلانات، تراکت‌ها، فیلم‌های کوتاه و بلند و غیره.

رسانه‌های نهادی: شامل روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی، رادیو و تلویزیون، دفاتر مطبوعات و غیره.

رسانه‌های فرانهادی: شامل خبرگزاری‌ها، واحد مرکزی خبر، دفاتر روابط بین‌الملل، شرکت‌های چندملیتی سازنده فیلم‌های سینمایی و شبکه‌های ماهواره‌ای (شعیدی، ۱۳۹۰: ۲).

۲. دسته‌بندی بر اساس گستره مخاطب:

رسانه‌های جمعی: وسایلی که مردم یک جامعه از آن برای اعلام پیام‌ها و افکار و انتقال مفاهیم به یکدیگر استفاده می‌کنند. این وسایل عبارتند از: مطبوعات، رادیو، تلویزیون و خبرگزاری‌ها. ویژگی‌های این رسانه‌ها شامل سرعت انتشار، نظم انتشار، گستردگی حوزه انتشار، تداوم انتشار و دسترسی آسان است (قنبری و آزاد دوست، ۱۳۹۶: ۸۹).

رسانه‌های اجتماعی: رسانه‌هایی برای تعامل اجتماعی که از تکنیک ارتباطی بسیار در دسترس و گسترش‌پذیر استفاده می‌کنند. این رسانه‌ها مبتنی بر اینترنت بوده و با اتکا به بنیان‌های فناوریانه امکان ایجاد محتوا و تبادل آن را فراهم می‌کنند.

۳. دسته‌بندی بر اساس بعد عملیاتی:

رسانه‌های مستقیم: مخاطب بدون واسطه پیام را از عامل دریافت می‌کند، مانند سخنرانی.

رسانه‌های غیرمستقیم: رسانه به عنوان واسطه میان عامل و مخاطب عمل می‌کند.

۴. دسته‌بندی بر اساس نوع پیام:

رسانه‌های ذی‌روح: عنصر انسانی در رساندن پیام به مخاطب نقش رسانه را ایفا می‌کند، مانند عناصر

جریان‌ساز، منابع نفوذی و واسطه‌ها.

رسانه‌های بی‌روح: از عنصر مادی در رساندن پیام از عامل به مخاطب استفاده می‌شود، مانند اعلامیه، کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۱۶).

۵. دسته‌بندی بر اساس منبع انتشار:

رسانه سفید: منسوب به دولت یا حامیان ایدئولوژیک دولت است، مانند صداوسیما و روزنامه‌های دولتی.

رسانه خاکستری: هویت نامشخص و مسئولیت مبهم دارد و معمولاً به منابع غیرقابل شناسایی اشاره می‌کند.

رسانه سیاه: به نقد و نفی دولت می‌پردازد و سعی در تحریک اعتراضات عمومی دارد.

اثرات رسانه‌های ارتباط جمعی

رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون تأثیرات گسترده‌ای بر افراد و جامعه دارند، از تغییر عقاید و ارزش‌ها تا تأثیرات روانی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی، این تأثیرات می‌توانند کوتاه‌مدت یا بلندمدت، قوی یا ضعیف باشند.

عوامل مؤثر در تأثیرگذاری رسانه‌ها:

۱. منبع پیام: هر چه منبع پیام قابل قبول‌تر باشد، احتمال تغییر نگرش بیشتر خواهد بود.
۲. ماهیت پیام: شیوه ارائه پیام و انطباق آن با ابزار انتقال، نقش مهمی در تأثیرگذاری آن دارد. پیام‌های هیجانی نسبت به پیام‌های منطقی تأثیر سریع‌تری دارند.
۳. شخصیت پیام‌گیر: افرادی با عزت نفس پایین و نیاز به تأیید اجتماعی، راحت‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.
۴. محیط یا شرایط دریافت پیام: محیطی که رسانه ارتباطی در آن به کار گرفته می‌شود می‌تواند در اثر پیام تعیین‌کننده باشد. محیط آرام و بدون حواس‌پرتی، تأثیر پیام را افزایش می‌دهد (دادگران، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

کارکردهای رسانه

۱. کارکرد نظارتی: نظارت بر محیط و ارائه اخبار ضروری
۲. کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ: تأثیر بر رشد فکری و فرهنگی
۳. کارکرد سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت: بهبود روحیه و سلیقه عمومی
۴. کارکرد نوگرایی و توسعه: تسهیل توسعه اجتماعی و مشارکت مردم
۵. کارکرد همگن‌سازی: نزدیک کردن سلیقه‌ها و انتظارات
۶. کارکرد راهنمایی و رهبری: برقراری ارتباط میان رهبران و مردم
۷. کارکرد بحران‌زدایی: مدیریت بحران‌ها و حفظ امنیت اجتماعی
۸. کارکرد آگاه‌سازی: انتقال اخبار اطلاعات و تحلیل درست اخبار (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۹).

تأثیر اطلاع‌رسانی رسانه‌ها

رسانه‌ها با قدرت بسیج مردمی و جهت‌دهی به افکار عمومی، نقش کلیدی در سیاست‌گذاری و مدیریت بحران‌ها ایفا می‌کنند. تأثیر اطلاع‌رسانی در چهار محور اصلی قابل مشاهده است:

۱. بسیج توده‌ها: رسانه‌ها می‌توانند مردم را برای حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بسیج کنند، به ویژه در مواقع تهدید امنیت ملی یا جنگ.
۲. حمایت از گفتمان حاکم: رسانه‌ها با ایجاد نظم گفتمانی جدید و غیریت‌سازی علیه گفتمان‌های مخالف، تحولات جامعه را هدایت می‌کنند.
۳. تغییر افکار عمومی: رسانه‌ها قادرند تفکر عمومی را دگرگون کرده و در مدیریت بحران، از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی، بسیج منابع و جلب حمایت‌های مردمی نقش راهبردی ایفا کنند.
۴. قدرت دروازه‌بانی: بر اساس نظریه دروازه‌بانی اطلاعات همیشه در مجراهایی که در منطقه دروازه‌هاست قرار می‌گیرد. در این منطقه دروازه‌بان تصمیم می‌گیرد که اطلاعات را وارد مجرا کند یا خیر. با توجه به قدرت دروازه‌بانی رسانه نوع تعاملی که مدیران در شرایط بحرانی با رسانه‌ها دارند در گزینش و جهت‌دهی به اخبار از سوی خبرنگاران بسیار تأثیرگذار است (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۲۷).

سواد رسانه

مفهوم سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای نوعی فرایند دسترسی، ارزیابی، تحلیل و ساخت پیام‌ها در اشکال گوناگون است. این مفهوم فراتر از سواد سنتی (خواندن و نوشتن) است و مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، درک محتوای رسانه‌ها و تشخیص پیام‌های پنهان را در بر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، سواد رسانه‌ای توانایی درک و تفسیر پیام‌های رسانه‌ای و استفاده هوشمندانه از آن‌هاست (پایسته، ۱۴۰۰: ۲۱).

دیدگاه‌های متخصصان ایرانی:

شکرخواه، سواد رسانه‌ای یک نوع درک متکی بر مهارت است که می‌توان بر اساس آن انواع رسانه‌ها را از یکدیگر تمییز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (شکرخواه، ۱۳۸۹: ۲۷).

فرهنگی، هدف سواد رسانه‌ای را هوشیاری و آزادسازی مخاطب از انفعال در برابر رسانه‌ها معرفی می‌کند (فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

منتظر قائم، سواد رسانه‌ای را دانش و مهارتی می‌داند که به مخاطب امکان لذت بیشتر و اثرپذیری آگاهانه از رسانه‌ها را می‌دهد.

آقازاده، سواد رسانه‌ای یک مهارت ضروری است و به عنوان فیلتری عمل می‌کند که مخاطب را در مواجهه با پیام‌های متراکم یاری می‌دهد (پایسته، ۱۴۰۰: ۲۲).

دیدگاه‌های متخصصان بین‌المللی:

تالیم، سواد رسانه، مهارت تحلیل پیام‌ها و کسب مهارت تفکر انتقادی برای استفاده از همه رسانه‌ها است (تالیم، ۱۳۹۱: ۱۹).

پاتر، سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌هاست که به شهروندان کمک می‌کند تا از رسانه‌ها به درستی استفاده کنند و معنای پیام‌ها را تفسیر کنند. مدل پاتر شامل «ساختارهای دانش»، «منبع شخصی» و «وظایف پردازش اطلاعات» است (پاتر، ۲۰۰۴: ۲۸).

تامن، سواد رسانه‌ای مانند فیلتری عمل می‌کند که به مخاطب در درک پیام‌ها در سه لایه (انتخاب رسانه، درک فرستنده، تفکر انتقادی). کمک می‌کند (سپاسگر، ۱۳۸۴: ۶۵).

هابز: سواد رسانه‌ای را توانایی ارزیابی پیام‌ها در دو سطح مقدماتی و عمیق تعریف می‌کند (هابز، ۲۰۱۶: ۱۲).

ضرورت‌های فراگیری سواد رسانه‌ای

در عصر حاضر، رسانه‌ها به صورت مداوم اطلاعات و اخبار را به مخاطبان منتقل می‌کنند، بدون آن‌که لزوماً صحت آن‌ها بررسی شود. این حجم گسترده از داده‌ها، ذهن افراد را تحت تأثیر قرار داده و تغییراتی در سبک زندگی آن‌ها ایجاد می‌کند. مک‌لوهان معتقد است رسانه‌ها به گونه‌ای نامحسوس بر مخاطبان تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را به بخشی از سامانه ارتباطی تبدیل می‌کنند. با پیشرفت فناوری و گسترش اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و

خبرگزاری‌ها، دسترسی به اطلاعات بسیار آسان شده، اما کنترل و سانسور محتوا دیگر کارایی چندانی ندارد. در چنین شرایطی، بهترین راهکار، آموزش سواد رسانه‌ای به ویژه به کودکان و نوجوانان است. سواد رسانه‌ای به جای محدود کردن افراد، آن‌ها را توانمند می‌سازد تا پیام‌های رسانه‌ای را به صورت انتقادی تحلیل کنند و نه تنها از رسانه نترسند، بلکه استفاده هوشمندانه‌ای از آن داشته باشند. این آموزش منجر به پرورش شهروندانی پرسشگر می‌شود که به جای پذیرش کورکورانه اطلاعات، فعالانه با محتوا تعامل می‌کنند. سواد رسانه‌ای، پوپولیسم را نفی، دست کاری رسانه‌ای را کاهش و چندفرهنگی را ترویج می‌کند. با این سواد، شهروندان منفعل نمی‌شوند، بلکه به دریافت کنندگان فعال اطلاعات تبدیل می‌شوند. در گذشته، حجم اطلاعات کمتر بود و نظارت بیشتری وجود داشت، اما امروزه با افزایش سرعت گردش اطلاعات، نیاز به سواد رسانه‌ای دوجندان شده است. سواد رسانه‌ای بر تفکر انتقادی تأکید دارد و به افراد آموزش می‌دهد تا پیام‌های رسانه‌ای را با دقت بررسی کنند و در صورت مفید بودن، از آن‌ها استفاده کنند. اندیشمندان حوزه ارتباطات، سواد رسانه‌ای را پاسخی به مشکلات ناشی از رسانه‌ها می‌دانند. آموزش سواد رسانه‌ای یک ضرورت است زیرا به انتخاب صحیح پیام‌ها کمک می‌کند. نهادهای آموزشی، مدنی و رسانه‌ای باید در این زمینه فعال باشند. سواد رسانه‌ای همچنین با نشان دادن اضافه بار اطلاعاتی، به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با حجم زیاد اطلاعات، گزینش درستی داشته باشند و از سردرگمی جلوگیری کنند. درنهایت، سواد رسانه‌ای زمینه‌های شناختی و انگیزشی لازم را در شهروندان ایجاد می‌کند تا به صورت خودانگیزه با محتوای رسانه‌ها تعامل داشته باشند و به آن‌ها معنا ببخشند (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۴۵).

شهروندان و سواد رسانه‌ای

ارتقای سواد رسانه‌ای برای شهروندان در عصر جهانی شدن امری ضروری است. سواد رسانه‌ای به شهروندان کمک می‌کند تا از ارتباط غیرفعال با رسانه به سمت ارتباطی فعال و پویا حرکت کنند. با کسب مهارت‌های جدید، شهروندان می‌توانند تعامل مؤثرتر و عمیق‌تری با پیام‌های رسانه‌ای داشته باشند و فهم رسانه‌ای خود را ارتقا دهند (روگو، ۲۰۰۹: ۵۸). با این حال، سواد رسانه‌ای صرفاً به معنای دوری از پیام‌های رسانه‌ای ناخواسته نیست؛ زیرا رسانه‌ها به شدت با فرهنگ اجتماعی عجین شده‌اند و حتی با خاموش کردن

تلویزیون، نمی‌توان از تأثیر آن‌ها فرار کرد؛ بنابراین، هدف سواد رسانه‌ای، توانمندسازی شهروندان با دانش کافی، تفکر انتقادی و سواد لازم در مورد تمام اشکال رسانه‌ای است تا بتوانند آنچه را می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند خود تحلیل و کنترل کنند. این به معنای حفظ کردن حقایق و آمار نیست، بلکه درک نحوه طرح پرسش‌های درست و سنجیده در مورد اطلاعات دریافتی است. سواد رسانه‌ای به معنای «خودشکوفایی در تفکر انتقادی» و «توانایی تفکر کردن درباره خود» است و بدون آن، فرد نمی‌تواند منزلت خود را به عنوان یک انسان یا شهروند جامعه جهانی داشته باشد (نصیری، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

سواد رسانه‌ای، توانایی استفاده، تحلیل و ارزیابی تصاویر، صداها و پیام‌هایی است که روزانه با آن‌ها روبرو می‌شویم و بخشی مهم از فرهنگ معاصر هستند. همچنین شامل توانایی برقراری ارتباط مؤثر از طریق رسانه‌های مختلف است. هدف اصلی سواد رسانه‌ای، آگاه و هوشیار کردن، اختیار بخشی و آزادسازی مخاطب است تا بتواند متفعلاً در برابر رسانه‌ها نباشد و با تفکری منتقدانه در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت فعالیت کند. این امر شامل مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه‌ها و نگاهی دقیق، نقادانه و تحلیلی به پیام‌های رسانه‌ای است (شکرخواه، ۱۳۸۶: ۳۱).

سواد رسانه‌ای و جامعه

سواد رسانه‌ای به معنای عکس‌العمل شهروندان در قبال عملکرد رسانه‌ها است. شهروندان آگاه و مسئول می‌توانند در برابر محتوای اهانت‌آمیز واکنش نشان دهند، از برنامه‌های باکیفیت حمایت کنند و روزنامه‌نگاری معقول را تشویق نمایند. آن‌ها به مشروعیت بخشیدن به گزینه‌های سالم‌تر در رسانه کمک می‌کنند و می‌توانند در جهت ایجاد تغییر اجتماعی مثبت فعالیت کنند. آموزش رسانه به افراد کمک می‌کند تا پیام‌ها را تفسیر و تولید کنند، مناسب‌ترین رسانه را برای ارتباط انتخاب کنند و در محصول برون‌داد رسانه نقش بیشتری داشته باشند. هدف سواد رسانه‌ای، هوشیار سازی و اختیار بخشی به شهروندان و ترویج مساوات، عدالت اجتماعی، دموکراسی، آزادی، کرامت انسان و جامعه انسانی‌تر است (اینگرید، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

مک‌براید بر ارتباط بیشتر، بهتر و آزادتر برای شهروندان تأکید می‌کند. شهروندان مسئول باید به اندازه کافی به حقایق دسترسی داشته باشند تا بر اساس آن به داوری‌های معقول بپردازند

و صدای آن‌ها نیز شنیده شود. آن‌ها نباید صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات باشند، بلکه باید در فرایند ارتباط، شرکای فعالی باشند تا تنوع پیام‌ها نیز افزایش یابد (مک براید، ۱۳۶۹: ۱۳۷). ارتباط باید در خدمت مردم و جوابگویی نیازهای آن‌ها باشد و این امر نیازمند آگاهی انتقادی بیشتر از جانب مردم است. آموزش درک انتقادی وظیفه مربیان و ارتباط‌گران است تا افراد بتوانند درستی را از نادرستی و عقیده را از حقیقت تمیز دهند. حق برقراری ارتباط بسیار فراتر از حق برخورداری از اطلاعات است و شامل دسترسی، مشارکت و جریان دوطرفه اطلاعات می‌شود.

تمام افراد حق زندگی بهتر را دارند که نیازمند تقویت استعدادها، حذف نابرابری‌ها و کاهش شکاف ارتباطی است. ارتباط باید مبادله‌ای مستمر بین طرف‌های برابر باشد، نه یک جریان یک‌طرفه از بالا به پایین. برای هویت بخشیدن به مخاطب و توسعه دانش و آگاهی او، جریان اطلاعات باید از حالت عمودی به حالت افقی و دوطرفه تغییر کند و مخاطب در مبادله اطلاعات مشارکت داشته باشد. متأسفانه، بسیاری از مردم برخوردی یک‌طرفه با رسانه‌ها دارند و اغلب برای سرگرمی از آن‌ها استفاده می‌کنند. برخورد اکثر مردم انفعالی است و از رسانه‌ها به صورت غیرهدفمند استفاده می‌کنند.

اهداف آموزش سواد رسانه‌ای

مهم‌ترین هدف آموزش سواد رسانه‌ای، افزایش آگاهی افراد نسبت به انواع پیام‌های رسانه‌ای است که روزانه با آن‌ها مواجه‌اند. سواد رسانه‌ای به شهروندان کمک می‌کند تا بدانند رسانه‌ها چگونه بر باورها و فرهنگ عمومی تأثیر می‌گذارند و در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها نقش دارند. این آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه را تقویت کرده و مصرف‌کنندگان را به افراد خردگرا تبدیل می‌کند. علاوه بر این، آموزش سواد رسانه‌ای به افراد کنترل بیشتری بر رسانه‌ها و تأثیرات آن‌ها می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا از تأثیرات منفی رسانه‌ها بکاهند (طاهریان، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

دانش‌آرا بر این باور است که اهداف آموزش سواد رسانه‌ای به شدت مکمل یکدیگرند. برخی از اهداف اصلی آموزش شامل موارد زیر است:

الف. کسب مهارت تفکر انتقادی:

آموزش سواد رسانه‌ای انتقادی به افراد کمک می‌کند تا بر اساس اطلاعات رسانه‌ای تصمیمات درستی اتخاذ کنند (ارجمندی، ۱۳۸۶: ۵).

ب. دموکراسی و حقوق شهروندی:

آموزش سواد رسانه‌ای با ایجاد توانایی‌هایی چون تفکر انتقادی و مشارکت فعال، به گسترش دموکراسی کمک می‌کند. همچنین، وجود دموکراسی واقعی زمینه را برای تربیت شهروندان آگاه و فعال فراهم می‌آورد (باکینه‌گام، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

ج. عدالت اجتماعی:

سواد رسانه‌ای به عنوان پیش‌نیازی برای مشارکت مدنی و کاهش محرومیت‌های اجتماعی عمل می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا از رسانه‌ها به طور هوشمندانه استفاده کرده و دیدگاه‌ها و نظرات مختلف خود را بیان کنند (دانش‌آرا، ۱۳۹۰: ۴۰).

عوامل بازدارنده سواد رسانه‌ای

- عدم وجود انعطاف حقوقی در وضع قوانین رقابتی و نظارت ایجابی در حوزه رسانه‌ای ایران

- عدم توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در اختصاص ردیف بودجه‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای

- کمبود دانش اطلاعاتی و ارتباطی والدین نسبت به فرزندان

- نداشتن انگیزه و علاقه برای بهبود سواد رسانه

- عدم دسترسی به منابع و اطلاعات لازم برای افزایش سواد رسانه‌ای

- تأثیر قدرت سیاسی و اقتصادی بر محتوای رسانه‌ها

- کمبود آموزش و آگاهی عمومی (پایسته، ۱۴۰۰: ۲۵).

راهکارهای مناسب برای رفع موانع سواد رسانه‌ای

- انجام تحقیقات و مطالعات تطبیقی برای ارائه الگوی مطلوب و ممکن

- واردکردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور

- ایفای نقش دیده‌بانی و نظارت دائمی بر توسعه سواد رسانه‌ای

- اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای در قوانین بودجه ساله‌ای آتی

- تهیه و تنظیم کتب درسی مناسب و برنامه‌های دیداری-شنیداری قابل دسترس

- به‌کارگیری مشاورین خبره و متخصص در امور سواد رسانه‌ای

- تشکیل، راه‌اندازی و تشکل غیردولتی سواد رسانه‌ای متشکل از معلمان مدارس، اساتید و پژوهشگران دانشگاهی و مجریان صنعت رسانه‌ای کشور
- ایجاد انگیزه و علاقه به بهبود سواد رسانه‌ای
- نظارت والدین بر برنامه‌های تلویزیونی موردتوجه کودکان. مثل: محدود کردن تماشای برنامه‌های خشونت بار و...

فواید ارتقای سواد رسانه‌ای

۱. برخورد مناسب با اخبار جعلی:

سواد رسانه‌ای در مواقع بحران نقش حیاتی دارد و به افراد کمک می‌کند تا اخبار جعلی را از واقعی تمایز دهند. موسویان، کارشناس ارتباطات، تأکید می‌کند که فقدان سواد رسانه‌ای عمومی می‌تواند منجر به گسترش اخبار نادرست شود. ارتقای سواد رسانه‌ای به عنوان یک راهکار مهم در جوامع مختلف مطرح شده و ضروری است. این توانمندی امکان تشخیص منبع خبر و اهداف آن را فراهم می‌کند و افراد را قادر می‌سازد تا با دقت و منطق به موضوعات نگاه کنند. به همین دلیل، ضروری است که برنامه‌های آموزشی در مدارس و محیط‌های کاری برای افزایش سواد رسانه‌ای اجرا شود.

۲. مقابله با اخبار دروغ:

برای مقابله با اخبار دروغ و تهدیدات ناشی از اطلاعات نادرست، آشنایی مردم با فضای مجازی و ارتقای سواد مجازی بسیار مهم است. بسیاری از کشورها در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا مخاطرات ناشی از اخبار جعلی را کاهش دهند. سواد رسانه‌ای به‌ویژه در فضای مجازی، زمینه‌ساز حفظ امنیت اطلاعات و جلوگیری از سوءاستفاده‌هاست. همچنین، رسانه‌ها و خبرنگاران باید راهکارهایی را برای یکپارچگی اطلاعات در کانال‌های رسمی و فضای مجازی اتخاذ کنند و از دوگانگی در روش‌های اطلاع‌رسانی پرهیز نمایند. افزایش آگاهی در این زمینه می‌تواند به ایجاد فضای رسانه‌ای سالم‌تر و شفاف‌تر کمک کند (حیدری، ۱۳۹۹: ۴۱).

بحران

هیچ نظام سیاسی و جامعه‌ای نمی‌تواند مصون از بحران و پیامدهای کوتاه و بلندمدت آن باشد. بحران‌ها بخش جدانشدنی زندگی و لازمه توسعه همه‌جانبه، به‌ویژه در جوامع در حال گذار هستند. بحران‌ها در ذات خود، بستر شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌هایی هستند که برحسب نوع، شدت و گستره محیطی بحران، می‌توانند نظام سیاسی و شهروندان را در شرایط دشوار و پرمخاطره‌ای قرار دهند. افزایش ظرفیت‌های ساختاری و کارکردی نظام سیاسی جهت پاسخگویی مناسب و عادلانه به نیازها و احتیاجات مردم، عامل مؤثری برای شکل دادن به سازه‌های مقاوم مردمی در مقابله با بحران است (ناصری، ۱۳۹۹: ۲۹).

مفهوم‌شناسی بحران

«بحران» اصطلاحی عامیانه است که در پی یافتن معنایی علمی است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۳). معنی «بحران» برای عموم مردم روشن و واضح است و به راحتی معنی آن را درک می‌کنند. مردم «بحران» را اتفاقی بد و امری منفی می‌دانند و آن را به عنوان حادثه‌ای ناگهانی و خطرناک که می‌تواند اثراتی بد و منفی داشته باشد، تعریف می‌کنند. فرهنگ فارسی عمید «بحران» را آشفتگی و تغییر حالت؛ تغییر حالت ناگهانی مریض تب‌دار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود؛ تعریف می‌کند (عمید، ۱۳۶۳: ۲۴۶). دهخدا هم «بحران» را شدیدترین و ناراحت‌ترین وضع مریض در حالت تب، معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۳۹۰).

کلمه «بحران» در نظم و نشر فارسی قدیم بیشتر به معنی حالت شدید مریضی به کار می‌رفته است. «بحران» را معادل Crisis در انگلیسی می‌دانند که ریشه یونانی آن Krisis به معنی نقطه عطف در بیماری است فرهنگ آریان پور واژه Crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنا کرده است (آریان پور، ۲۰۰۰: ۲۲۶).

بحران از ریشه یونانی به معنی قضاوت، لحظه حساس، مشاجره، نقطه تصمیم‌گیری است؛ یعنی رسیدن به مرحله‌ای که پس از آن اوضاع می‌تواند به نفع یا به ضرر کسی باشد. هر موقعیت بحرانی دوسویه و دولبه است. وضعیت ناپایدار و تزلزلی که در چهارچوب آن تغییر قطعی بدتر یا در شرف وقوع است، هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر

شود، شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان. هرگاه پدیده‌ای به صورت منظم و معمولی و آن‌طور که از قبل پیش‌بینی می‌شد جریان نیابد، نابسامانی ایجاد شود یا نظم مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی به وجود آید بحران مطرح می‌شود (قاسمیان، ۱۳۸۲: ۲۵). بسیاری عامل اصلی پیدایش تعریف‌های گوناگون از بحران را، افزون بر رهیافت‌های روش‌شناختی اتخاذشده، نشست گرفته از زمینه واقعی رخداد بحران می‌دانند. با رویکردی روان‌شناختی و نسبی‌گرا، اندیشمندانی همچون کاپرمن، ویل کاکس و اسمیت معتقدند که «از منظری، بحران‌ها نزد نظاره‌کنندگان آن‌ها می‌باشند. آنچه در نزد یک فرد و یا یک گروه بحران تعریف می‌شود، ممکن است در نزد دیگری بحران نباشد» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۰).

هر یک از دانشمندان و اندیشمندان به فراخور نوع نگاهی که به موضوع داشته‌اند از بحران معانی متفاوتی ارائه کرده‌اند رابینسون بحران را «یک مقطع متراکم زمانی برای تصمیم‌گیری می‌داند که می‌تواند به دلیل تهدیدهای ناشی از نوع تصمیم، مخاطرات بسیاری را متوجه منافع بازیگران سازد» (رابینسون، ۱۳۷۵: ۱۲۲-۱۲۳).

از نظر هرمان «بحران حادثه‌ای است که موجب سردرگمی و حیرت افراد می‌شود، قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب می‌کند و تحقق اهدافشان را به خطر می‌اندازد» (هرمان، ۱۹۶۳: ۱۵).

اما پرو با تفاوت قائل شدن بین حادثه و بحران، «بحران را اختلالی عمده می‌داند که عکس حادثه، کل نظام را از کار بازمی‌دارد و سامانه را با مشکلات عمده روبه‌رو می‌کند و حیات آن را به مخاطره می‌اندازد» (پرو، ۱۹۸۴: ۸۵).

تاجیک بحران را، مختص سامانه اصلی نمی‌داند و می‌گوید: «بحران وضعیتی است که نظم سامانه اصلی با قسمت‌هایی از آن (سامانه‌های فرعی). را مختل کرده و پایداری آن را برهم زند.» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۲).

بحران وضعیتی است که تغییرهای ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سامانه به وجود می‌آورد شدت وضعیت بحران‌ها بستگی به عوامل تشدیدکننده یا عناصر کاهش‌دهنده بحران و تکنیک‌های موجود برای مدیریت و بالاخره مهار آن دارد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۱: ۵۱).

ویژگی‌های بحران

هر بحران با توجه به نوع، ابعاد، شدت، سابقه، محیط، جغرافیا و پیامدهای آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد. درواقع بحران‌ها مانند هم نیستند و نسخه واحدی را نمی‌توان برای خروج آن‌ها تجویز کرد. بااین‌وجود اختلاف و با تجزیه و تحلیل و مطالعه داده‌ای بحران‌های گوناگون، درمی‌یابیم که بحران‌ها در بعضی ویژگی‌ها مشترکند.

* غافلگیری و ناگهانی بودن

* محدود به یک دوره زمانی

* محدودیت زمان بحران و عکس‌العمل

* کاهش کنترل

* افزایش اصطکاک

* دگرگونی در نظام

* تغییر در نوع روابط فرد و اعمال وظایف مدیریت

* کاران‌بودن هنجارها و مقررات معمول برای مدیریت بحران

* اطلاعات ناکافی

* افزایش نیاز به اطلاعات

* افزایش توجه مردم به اطلاعات و اخبار

* ممکن نبودن پیش‌بینی دقیق نتایج

* پیامدهای مثبت و منفی مهم

* افزایش احتمال بروز اشتباه

* ضرورت تصمیم‌گیری فوری

* دشواری در تصمیم‌گیری فوری

* تهدید منابع و ارزش‌های اساسی (نصراللهی، ۱۳۸۹: ۵۶).

انواع بحران

انواع به اعتبار عوامل:

بحران‌های طبیعی: این بحران‌ها ناشی از رویدادهای طبیعی هستند که خارج از کنترل انسان رخ می‌دهند. نمونه‌هایی از این بحران‌ها شامل زلزله، سیل، طوفان،

خشک سالی، آتش سوزی‌های جنگلی گسترده و شیوع بیماری‌های واگیردار هستند. این بحران‌ها می‌توانند منجر به خسارات جانی و مالی گسترده، آوارگی مردم و اختلال در زندگی روزمره شوند.

بحران‌های غیرطبیعی یا انسانی: این بحران‌ها ناشی از فعالیت‌ها و اقدامات انسانی هستند. نمونه‌هایی از این بحران‌ها شامل جنگ، تروریسم، حملات سایبری، آلودگی‌های صنعتی، تصادفات هسته‌ای و بحران‌های مالی هستند. این بحران‌ها می‌توانند ناشی از عمد، سهل‌انگاری، یا خطای انسانی باشند و پیامدهای جدی برای افراد، جوامع و محیط‌زیست داشته باشند.

انواع بحران از نظر علل و عوامل:

بحران‌های زمینه‌ساز (عوامل اولیه یا بستر ساز): شامل زمینه‌های نارضایتی بحران است. بحران‌های تحریک‌کننده (عوامل تحریک‌کننده یا ثانویه): شامل جرقه‌های بحران است. بحران‌های تسهیل‌کننده: شامل نوع فرهنگ جامعه، سبک پاسخ‌گویی، قانون‌گریزی در مواجهه با بحران است.

بحران‌های تشدیدکننده: شامل پاسخ‌گویی و نحوه کنترل و مهار اعتراضات است. بحران‌های تسریع‌کننده: شامل حضور موج‌سواران، اکثریت خاموش، نیروهای خارجی و نظایر این‌ها است (صالحی، ۱۳۹۵: ۳۰).

انواع بحران از نظر موضوع:

بحران سیاسی: این بحران‌ها ناشی از مسائل سیاسی هستند، مانند جنگ، آشفتگی سیاسی، آشوب‌های اجتماعی و دیگر اقدامات مخرب آگاهانه انسان که به قتل عام و کشتار انسان‌ها و تخریب اماکن عمومی منجر می‌شود (درابک، ۱۳۸۳: ۱۷).

بحران اقتصادی: این بحران‌ها ناشی از مسائل اقتصادی هستند. اقتصاد کشور، زمانی بحرانی می‌شود که رشد تولید ناخالص ملی صفر یا نزدیک صفر باشد. اگر رشد ناخالص ملی بالای دو درصد باشد، اقتصاد کشور در حال رشد است؛ این عدد اگر بین صفر تا دو باشد اقتصاد در مرحله رکود است و اگر زیر صفر باشد، اقتصاد کشور در حال فروپاشی است.

بحران اجتماعی: این بحران‌ها ناشی از مسائل اجتماعی هستند. زمانی که در کل جامعه، اختلالاتی پدید آید که تعادل عمومی و عملکردهای بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند، سخن از بحران اجتماعی پیش می‌آید. بحران اجتماعی عمومی ناشی از آن است که جامعه، دیگر توانایی سازمان‌یابی و حفظ نظم را ندارد و از نیرویی درونی برای حل مسائل مرتبط با دگرگونی و توسعه‌اش برخوردار نیست. در چنین جامعه‌ای مشکلات اجتماعی چنان گسترده‌اند که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می‌افکنند (بیروآلن، ۱۳۷۰: ۳۴۹).

بحران امنیتی: این بحران‌ها تهدیدی برای امنیت ملی هستند. بحران‌های امنیتی عمدتاً در پی بی‌توجهی و گسترش بحران‌های اجتماعی - سیاسی و آسیب‌پذیری نظام حاکم با حوادث ضد امنیتی به وجود می‌آیند که در صورت عدم کنترل منجر به براندازی حکومت‌ها نیز می‌شوند (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۳).

بحران‌های اطلاعاتی: بحران‌هایی هستند که در اثر اختلال در طراحی، تجهیزات و کارکرد نظام‌های حفاظتی، اطلاعاتی، امنیتی و رایانه‌ای در سازمان‌ها و جوامع رخ می‌دهد و موجب آشفتگی می‌شود از قبیل تقلب و دسترسی غیرمجاز، افشای غیرمجاز اطلاعات، ناکارآمدی سخت‌افزارها و نرم‌افزارها مفقود شدن داده‌ها و عدم تبادل و انتقال اطلاعات. بحران‌های زیست‌محیطی: این بحران‌ها ناشی از آسیب به محیط‌زیست هستند. مثل آلودگی هوا انفجارهای هسته‌ای از بین رفتن منابع طبیعی، از بین رفتن دریاچه‌ها و آلوده سازی منابع حیاتی.

مراحل شکل‌گیری بحران

۱. شروع بحران: بحران در مرحله اول دوران تکوینی را سپری می‌کند در این مرحله غالباً تصمیم‌گیران دولتی و کارگزاران حکومتی توجهی به آن ندارند این مرحله را می‌توان دوران خفته نامید. این مرحله با اعتراضات گفتاری عمومی شروع می‌شود و بی‌توجهی مسئولان باعث شدت یافتن نارضایتی‌ها می‌گردد. بهترین راهکار در این مرحله استفاده از قدرت نرم برای پیشگیری است، شامل پیش‌بینی و آمادگی که به شناخت تهدیدها و آماده‌سازی سازمان‌ها کمک می‌کند.

۲. گسترش و تشدید بحران: با ادامه تهدید ارزش‌ها و واکنش‌های طرفین، بحران وارد مرحله خشونت‌آمیز می‌شود. اعتراضات گفتاری به اقدامات رفتاری مانند اعتصابات و راهپیمایی‌ها تبدیل می‌شود. در این مرحله، مدیران باید با ابزارها و اقدامات اجرایی مناسب از گسترش بحران جلوگیری کنند.

۳. کاهش و پایان بحران: بحران در نهایت به پایان می‌رسد که ممکن است با سازش طرفین یا پیروزی یکی و شکست دیگری باشد. مدیریت در این مرحله بسیار حیاتی است و می‌تواند شامل راهکارهایی برای پایان دادن به تنش‌ها باشد (ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

بحران امنیتی

بحران امنیتی و مفاهیم آن

بحران امنیتی رویدادی است که بر نظام تعادل اجتماعی (عدالت، ساختار، مدیریت) و منافع امنیت

ملی (حیاتی، مهم و حاشیه‌ای)، تأثیر می‌گذارد. این رویداد از طریق تجمعات اعتراضی، آشوب یا اغتشاش، کارکرد سازمان‌های امنیت‌ساز را از مأموریت عادی خود خارج می‌کند (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۹۷).

بحران امنیتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی را دربرمی‌گیرد و می‌تواند همه اجزای نظام سیاسی را تهدید کند. ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو کند (زنگنه مقدم، ۱۴۰۲: ۹۵).

بحران امنیتی می‌تواند به شکل مستقیم (شورش، تجزیه‌طلبی، کودتا، درگیری مسلحانه، مداخله نظامی، اشغال) یا غیرمستقیم (خرابکاری، نارضایتی عمومی، تظاهرات، اغتشاش) ظاهر شود.

هنگامی که تهدیدات و آسیب‌ها به ارزش‌های حیاتی جامعه ضربه بزنند و زمان برای تصمیم‌گیری محدود باشد، بحران امنیتی تلقی می‌شود (ساوه درودی، ۱۴۰۱: ۳۵).

علل ایجاد بحران امنیتی از دیدگاه میشل براون

میشل براون در تبیین علل بروز این نوع از بحران‌ها عوامل زیر را برشماری می‌نماید.

۱- علل فرهنگی - ادراکی: الگوی تبعیض فرهنگی، گروه‌های مشکل‌زا

- ۲- علل اقتصادی اجتماعی: مشکلات اقتصادی، نظام تبعیض‌آمیز اقتصادی، مدرنیزاسیون
- ۳- علل ساختاری: دولت‌های ضعیف، علایق امنیتی دولت، جغرافیایی قومی
- ۴- علل سیاسی: نهادهای سیاسی تبعیض‌آمیز، ایدئولوژی ملی حذفی، سیاست نخبه‌گرا (یوسفی، ۱۴۰۱: ۳۴۲).

ویژگی‌های بحران امنیتی

مهم‌ترین این ویژگی‌ها شامل موارد زیر است:

- میل به خشونت در آن بالاست.
 - امنیت ملی کشور را هدف قرار داده و قدرت ملی را کاهش می‌دهد.
 - ارکان جهت ساز (مأموریت، چشم‌انداز و ارزش) را با خطر جدی مواجه خواهد ساخت.
 - همبستگی ملی را کاهش داده و استحکام درونی قدرت حاکم را متزلزل می‌کند.
 - شکاف‌های قومی، مذهبی، نژادی و طبقاتی در آن رشد خواهد یافت.
 - نخبگان و خواص غیردولتی در برابر نخبگان و خواص دولتی قرار خواهند گرفت.
 - جو روانی کشور ملتهب و پایش آن از دست نظام حاکم خارج خواهد شد.
 - احتمال دخالت قدرت خارجی در آن افزایش خواهد یافت.
 - شرایط نبود قطعیت افزایش داده و قدرت خطرپذیری را کاهش می‌دهد.
 - سردرگمی اطلاعاتی ناشی از کمبود اطلاعات و فراوانی اطلاعات را ایجاد خواهد کرد.
 - به تعدد نظریه برخورد و تعدد تصمیم‌گیری خواهد انجامید.
 - پدیده و یا پیامدهای غیرمنتظره را افزایش می‌دهد.
 - نقطه عطف در وقوع یک سلسله رویداد و عملیات خارج از قواره است.
 - بروز شرایط جدید ناشی از رویدادها را بر کشور تحمیل خواهد کرد.
 - نبود اطمینان درباره برآورد وضعیت و راهکارهای پایش بر اوضاع را ایجاد خواهد کرد.
 - کمبود زمان برای همه طرفین درگیر؛ به‌ویژه تصمیم‌گیران را ایجاد خواهد کرد.
- بر اساس مواردی که بیان شد می‌توان گفت تمرکز اصلی ویژگی‌ها، به مفهومی به نام تهدید علیه ارزش‌های حیاتی کشور ختم خواهد شد. زمانی که ارزش‌های حیاتی مورد تهدید

واقع شوند، می‌توان گفت جامعه و نظام سیاسی دچار بحران شده است؛ از این رو تا زمانی که ارزشی مورد تهدید واقع نشده، بحرانی نیز ایجاد نشده است (ساوه درودی، ۱۴۰۱: ۳۴).

مراحل شکل‌گیری بحران امنیتی

۱. مرحله تکوین: در این مرحله، بحران ظهور عینی و مشخص ندارد. در این دوره بسترهای اولیه اجتماعی یا سیاسی بحران به صورت پنهانی در حال شکل‌گیری است و در حقیقت بحران مراحل جنینی خود را سپری می‌کند؛ و تشخیص نشانه‌های اولیه بسیار دشوار است. به عنوان مثال، تغییرات زیرزمینی قبل از زلزله یا ضعف‌های ساختاری در نظام اداری که بعدها به بحران تبدیل می‌شود.

۲. مرحله ظهور: بحران‌ها، مراحل تکامل و رشد خود را که نشانه‌ها و علائم آن قابل مشاهده و درک می‌باشند، سپری می‌کنند. یک موضوع در ابتدا بروز می‌کند و اگر مورد توجه و رسیدگی قرار نگیرد، به یک مسئله و سپس به یک مشکل تبدیل می‌شود. در نهایت، این مشکلات ممکن است نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی را به دنبال داشته باشد که زمینه‌های بحران مشروعیت را فراهم می‌کند.

۳. مرحله اقدام: پس از آشکار شدن بحران، مدیریت بحران وارد عمل می‌شود. اقدامات لازم برای مهار بحران با استفاده از شبکه‌های اجرایی و مدیریتی انجام می‌گیرد. این مرحله همچنین شامل بهره‌گیری از فرصت‌ها برای کاهش تهدیدها، مهار بحران و بازگشت شرایط به حالت عادی است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۳).

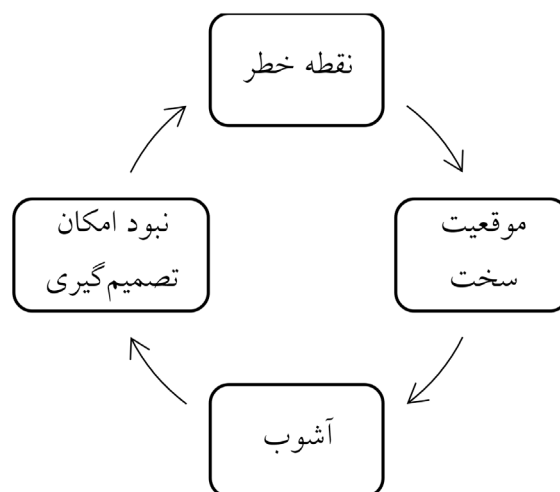
چرخه فرایند شکل‌گیری بحران

بحران‌ها را می‌توان نتیجه عناصر علی متعدد و زنجیره‌ای از خطاها و اشتباهات دانست؛ چنانکه گاه یک مشکل ساده به دلیل بی‌توجهی و بروز خطاهای متوالی، به صورت مضاعف و خیم‌تر می‌شود و به بحرانی لاینحل تبدیل می‌گردد. به طور معمول یک بحران با پیدایش عمدی یا غیرعمدی یک محرک آغاز می‌شود. این محرک باید به عنوان تهدیدی غیرعادی درک شود (برچر، ۱۳۸۲: ۳۰۱). محرک ابتدایی بحران می‌تواند در قالب کلام (مانند سخنرانی)، نوشته (مانند یک نامه یا مقاله) فیلم یا اقدام عملی سخت (مانند

درگیری، تخریب و ...) شکل گیرد. این محرک باید بتواند توجه عمومی را جلب کند و برای این منظور لازم است این محرک یک «موضوع قوی» باشد.

رضایان در تعریف «موضوع قوی» می‌گوید: «هر موضوعی که مراحل متفاوت و سطوح مختلف نفع عمومی را در برگیرد، موضوع قوی نامیده می‌شود؛ در مقابل موضوع ضعیف به موضوعی گفته می‌شود که در مرحله جلب علاقه یا اهمیت یافتن می‌ماند. اغلب در مارپیچ سکوت ناپدید می‌گردد.» (رضایان ۱۳۸۲: ۱۷). او همچنین مراحلی که موضوعات ممکن است از منظر افکار عمومی طی نمایند این گونه نام می‌برد:

۱. جلب علاقه: در این مرحله، موضوع علاقه افراد را به خود جلب می‌کند؛
 ۲. اهمیت یافتن موضوع: در مرحله بعد، موضوع مورد منازعه قرار می‌گیرد یا درباره آن اقامه دعوی می‌شود؛
 ۳. بحرانی شدن: در این مرحله، وضعیت حالت بی‌ثبات پیدا کرده به گونه‌ای که تغییر قطعی آن نامعلوم و زمان تغییر آن نامشخص و پیامد آن تفاوت فاحشی ایجاد خواهد کرد؛
 ۴. رسوایی به بار آوردن: موضوع، عامه مردم را به خشم آورده یا آزرده می‌سازد.
- پس از به وجود آمدن محرک‌های لازم برای آغاز بحران، فرایند شکل‌گیری بحران، آغاز می‌شود. حسن بشیر فرایند شکل‌گیری بحران را شامل چهار مرحله می‌داند و آن را این گونه شرح می‌دهد: «بحران از یک آشوب، سرگشتگی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب آغاز می‌شود. در این فرایند، آشوب نوعی از آشفتگی درونی و بیرونی را در ساختارها، برنامه‌ها و رفتارها ایجاد می‌کند. در مرحله دوم، آشوب ایجاد شده، وضعیت موجود را وارد موقعیت سخت می‌کند و موقعیت سخت، وضعیت موجود را به نقطه خطر نزدیک می‌سازد. در چنین مرحله‌ای است که از دست رفتن امکان تصمیم‌گیری به عنوان یک وضعیت خاص روانی ظهور می‌یابد» (بشیر، ۱۳۸۷: ۱۵).



شکل شماره ۱- فرایند شکل‌گیری بحران (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۳۸)

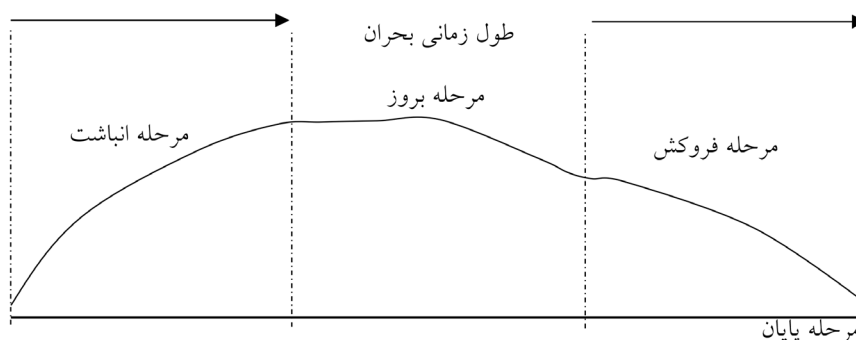
شکل شماره ۲- چرخه مربوط به فرایند شکل‌گیری را از آشوب تا نبود امکان تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که در آن، چنانچه بحران در هیچ‌یک از مراحل، کنترل و مدیریت نشود، می‌تواند در تشدید خود یا خلق بحران جدید تأثیرگذار باشد بر اساس مدل نردبان تشدید وضعیت، بحران‌ها از چهار مرحله مختلف عبور می‌کنند. اولین مرحله مربوط به دوره زمانی «انباشت بحران» است. در این دوره نشانه‌های بحران به مرور خود را نشان می‌دهند و مدت‌ها قبل از اینکه چکاننده‌های بحران عمل کنند، علائم و پیش‌درآمدهای بحران معلوم می‌شوند.

دومین مرحله شکل‌گیری بحران «بروز و ظهور بحران» است. در این دوره حوادث تحریک‌کننده موجب بروز و ظهور بحران شده، آن را به شکل یک واقعیت ملموس و تهدیدکننده درمی‌آورد. خسارت‌ها و ضربه‌های فیزیکی و روانی به سازمان و عناصر وابسته محیطی، در این مرحله صورت می‌گیرد که بسته به دامنه و شدت بحران می‌تواند گسترده و یا محدود باشد (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۳۹).

«فروکش کردن بحران» سومین مرحله از حیات بحران است که با اسم‌های دیگر، نظیر «مرحله مزمن» نیز شناخته می‌شود. در این مرحله بحران وارد فضای جدید شده، دامنه و شدت آن به‌طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. طول زمانی که بحران‌ها در این مرحله قرار دارند ممکن است

از چند روز تا چند سال متفاوت باشد. بسیاری از بحران‌ها ممکن است سال‌ها به شکل نهفته در این حالت بمانند و در واکنش به محرک‌های بحران‌زا مجدداً در شکل و شمایل جدید به مرحله قبل بازگردند.

چهارمین و آخرین مرحله مربوط به زمانی می‌شود که نشانه‌های بهبود اوضاع و برطرف شدن تهدیدها پدیدار شده باشد. در مرحله «پایانی بحران» بحران خاتمه یافته تلقی می‌شود. پایان یک بحران لحظه‌ای است که تهدید متصور، فشار زمان و احتمال خطر برای تصمیم‌گیران تا سطح قبل از بحران کاهش یافته باشد.



شکل شماره ۲- چرخه عمر بحران (شبیوری، ۱۳۹۵:۵)

پیش‌بینی، پیشگیری، مهار و کنترل

پیش‌بینی، پیشگیری، مهار و کنترل در مدیریت بحران امنیتی فرایندی است که از اندیشه به عمل می‌رسد.

آگوست کنت معتقد است «از علم پیش‌بینی برآید و از پیش‌بینی، مهار». این مرحله شامل تحلیل و نگارش سیاست‌نامه برای حل مسائل امنیتی فوری است.

برای جلوگیری از بحران:

۱. تبیین پدیده‌های بیرونی: شناسایی قوانین عام و تحلیل علل وقوع بحران‌ها؛ مثلاً چرا پس از هر انقلاب، جنگی رخ می‌دهد.

۲. درک بحران و ابعاد آن: بررسی فاعلان و شرایطی که رخداد را رقم زده‌اند، مانند عوامل درونی و بیرونی انقلاب‌ها.

۳. پیش‌بینی آینده: جلوگیری از تبدیل آسیب‌ها به تهدید و سپس به بحران از طریق تحلیل روندها و زمان‌بندی وقایع.

تبیین و پیش‌بینی رابطه‌ای متقابل دارند؛ تبیین مناسب، پیش‌بینی دقیق‌تری را ممکن می‌سازد. هرچند پیش‌بینی نادرست الزاماً به معنای تبیین اشتباه نیست؛ ممکن است عوامل دیگری دخیل باشند.

هدف مطالعات امنیتی علاوه بر تحلیل و پیش‌بینی، ارائه راه‌حل‌های عملی و کوتاه‌مدت برای مدیریت بحران‌هاست. عنصر مهار شامل تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و راهکارهای اجرایی است که به حفاظت از نظام سیاسی و کاهش تهدیدات کمک می‌کند (زنگنه مقدم، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

رسانه و بحران

رسانه‌ها در دنیای معاصر به یکی از تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری بحران‌ها تبدیل شده‌اند. با نقش کلیدی در شکل‌دهی افکار عمومی، آن‌ها توانایی زیادی در کاهش یا افزایش تنش‌ها، به‌ویژه در بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی دارند. این تأثیرگذاری به‌ویژه زمانی محسوس می‌شود که بحران‌ها به مراحل برسد که جامعه به راهبردهای مؤثر اطلاع‌رسانی نیاز دارد.

انواع راهبردهای رسانه‌ای در مواجهه با بحران

۱. راهبرد انفعالی

در این راهبرد، رسانه ترجیح می‌دهد نسبت به بحران سکوت کند و فعالیت خاصی انجام ندهد. این سکوت ممکن است به دلیل بی‌اهمیت جلوه‌دادن بحران باشد. رسانه با اتخاذ این راهبرد تلاش می‌کند دامنه بحران را گسترش ندهد و از ایجاد تنش‌های بیشتر جلوگیری کند. این راهبرد در مواقعی مؤثر است که بحران جزئی بوده و خطر گسترش زیادی ندارد.

۲. راهبرد واکنشی

رسانه در این راهبرد به فشارهای محیطی و تهدیدهای موجود واکنش نشان می‌دهد. معمولاً نگرش رسانه در این حالت منفی و تهدیدآمیز است و تنها زمانی اقدام می‌کند که خود را در خطر یا تحت فشار ببیند. رسانه‌های واکنشی اخبار بحران را به‌صورت گزینشی منتشر می‌کنند تا از تأثیرات آن بر خود بکاهند. این راهبرد در شرایطی به کار می‌رود که بحران تهدیدی جدی برای حیات رسانه محسوب شود.

۳. راهبرد فعال

رسانه‌هایی که این راهبرد را انتخاب می‌کنند، به محض وقوع بحران وارد عمل می‌شوند و تلاش می‌کنند

بحران را مهار کنند. این رسانه‌ها بحران را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی می‌پذیرند و با استفاده از ظرفیت‌های موجود خود برای جلب مشارکت عمومی و ایجاد همبستگی اجتماعی اقدام می‌کنند. این نوع رسانه‌ها نقش کلیدی در کنترل و کاهش بحران دارند.

۴. راهبرد فوق فعال

این راهبرد با رویکردی کاملاً مثبت و فرصت‌محور، وجود بحران‌ها را می‌پذیرد. رسانه‌هایی که این راهبرد را انتخاب می‌کنند، نه تنها بحران را مدیریت می‌کنند، بلکه پیش‌بینی‌های لازم را برای مقابله با شرایط بحرانی انجام داده و از بحران برای کشف فرصت‌های جدید استفاده می‌کنند. این رسانه‌ها به دنبال تطبیق شرایط با اهداف خود بوده و پس از بحران نیز به بررسی ریشه‌های آن پرداخته و از تجربیات برای مدیریت بهتر آینده بهره می‌برند (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۸۲).

کارکردهای رسانه در مرحله پیش از بحران

۱. کارکرد اطلاع‌رسانی:

اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی شده: پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها به صورت برنامه‌ریزی ساختاری و محتوایی اقدام کرده و طرح جامع اطلاع‌رسانی پیش از بحران را تهیه کنند. اطلاع‌رسانی دقیق و بهنگام: توجه به اطلاع‌رسانی دقیق و سریع و شفاف جهت اثربخشی مدیریت قبل از بحران باید مدنظر قرار بگیرد.

اطلاع‌رسانی فعال: داشتن رویکردی فعال و منتقدانه برای اداره مطلوب بحران پیشنهاد می‌شود. اطلاع‌رسانی کامل: اطلاع‌رسانی کامل و اشباع‌شده جهت جلوگیری و خنثی‌سازی شایعات در بحران پیشنهاد می‌شود.

دروازه‌بانی هوشمند اطلاع‌رسانی: ایجاد نظارت دقیق و هوشمندانه بر خروجی اخبار و توجه به هماهنگی پیام‌های ارائه‌شده برای رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود.

۲. کارکرد آموزشی:

آموزش فرهنگ ساز: برنامه‌ریزی برای ایجاد فرهنگ تعادل و ظرفیت‌سازی در جامعه و آموزش مشارکت‌های عمومی توسط رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود.

آموزش پیشگیرانه: ارائه آموزش‌های همگانی در برابر عوامل بحران‌ساز پیش از بحران جهت پیشگیری توسط رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود.

اثربخشی آموزش: افزایش غنا و تنوع آموزشی و به‌کارگیری هم‌زمان آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم جهت اثربخشی آموزش‌ها پیشنهاد می‌شود.

۳. کارکرد پایش و رصد محیطی:

رصد تیزبینانه تحولات: رصد هوشمندانه محیط توسط رسانه‌ها به منظور شناسایی و پیش‌بینی بحران‌ها پیشنهاد می‌شود.

رصد مستمر افکار عمومی: تعامل مستمر با مردم و نظرسنجی و نظرخواهی از آن‌ها برای پیش‌بینی بحران‌های جامعه پیشنهاد می‌شود.

رصد هوشمندانه بازیگران بحران‌ساز: نظارت دقیق هوشمندانه رسانه‌های دشمن و دیگر بازیگران عرصه بحران‌سازی توسط رسانه‌های خودی پیشنهاد می‌شود.

۴. کارکرد ایجاد همبستگی عمومی:

ایجاد همبستگی عمومی از طریق انسجام عمومی: ارسال پیام‌های انسجام بخش و وحدت بخش توسط رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود.

ایجاد همبستگی عمومی از طریق بسیج عمومی: تقویت بسیج عمومی از طریق تقویت روحیه همکاری پیشنهاد می‌شود.

۵. کارکرد هدایت افکار عمومی:

هدایت افکار عمومی برای ایجاد فضای آرام در جامعه: ایجاد فضای آرام از طریق بهره‌گیری از زبان آرامش بخش توسط رسانه‌ها پیشنهاد می‌شود (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۲۷).

نقش رسانه در همبستگی ملی

انسجام اجتماعی و حفظ ثبات و نظم، از اولویت‌های متفکران سیاسی و دولت‌ها است. برای دستیابی به امنیت ملی، فاهمه عمومی نقش کلیدی دارد؛ زیرا وقتی افکار عمومی در راستای حفاظت از امنیت ملی باشد، آسیب‌پذیری چارچوب امنیتی کاهش می‌یابد. دولت‌ها برای جلب افکار عمومی و تقویت همبستگی ملی از ابزارهای مختلف از جمله قدرت رسانه‌ای استفاده می‌کنند. رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های مدرن، ابزار مؤثری برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی هستند. تأثیر وسایل نوین ارتباطی، در شکل‌گیری نظام‌های سیاسی، اجتماعی و زیست‌بومی

انسان آن قدر عمیق است که جهان را به دهکده‌ای تبدیل نموده که در آن هرکسی به راحتی می‌تواند با فرد دیگری در نقطه‌ای دیگر از جهان ارتباط برقرار کند. از این منظر رسانه‌ها به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول هویت اهمیت می‌یابد.

هویت، عامل انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی است و کمرنگ شدن آن امنیت ملی را تهدید می‌کند. رسانه‌ها قادرند به عنوان ابزاری برای بحران‌زدایی یا بحران‌سازی عمل کنند. رسانه‌های مدرن، با استفاده از نظریه‌ها و تکنیک‌هایی همچون کاشت، انگاره‌سازی، اسطوره‌سازی و خلق معنا در وقایع، تأثیر بسزایی در مدیریت بحران و فرازوفروود همبستگی ملی دارند (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

نقش رسانه‌ها در مراحل مختلف بحران

۱. مرحله پیش از بحران: رسانه‌ها در این مرحله به ایجاد آمادگی و کاهش خطرات می‌پردازند. آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، معرفی بحران‌های احتمالی و آماده‌سازی سازمان‌های مسئول از وظایف مهم رسانه‌ها در این مرحله است.

۲. مرحله حین بحران: در زمان وقوع بحران، رسانه‌ها نقش حیاتی در اطلاع‌رسانی دقیق، مهار شایعات و جلب مشارکت عمومی دارند. با ارائه پیام‌های آرامش‌بخش و توجه به نیازهای روانی و اجتماعی مردم، رسانه‌ها به مهار و کنترل بحران و سوق دادن آن به مسیر افول کمک می‌کنند.

۳. مرحله پس از بحران: رسانه‌ها پس از بحران با نظارت بر روند ترمیم، شناسایی ریشه‌های بحران و آموزش‌های لازم، از وقوع بحران‌های مشابه جلوگیری می‌کنند. آن‌ها همچنین تجربیات بحران را از طریق تحلیل‌های خبری و گزارشی منتقل کرده و به تقویت روحیه اجتماعی و افکار عمومی می‌پردازند (قنبری و آزاد دوست، ۱۳۹۶: ۳۰).

رسانه‌ها و بحران امنیت

فعالیت‌های جاسوسی، افشای اسرار شخصی و دولتی، تهدید به هتک حیثیت، ترویج خشونت، بی‌بندوباری جنسی، تبلیغات براندازانه علیه نظام‌های سیاسی مخالف، هضم و نابودی خرده‌فرهنگ‌ها، شایعه‌سازی، جنگ روانی، دروغ‌پردازی، نشر اکاذیب، توهین و افترا از نگرانی‌های جدی بشر امروز هستند. سوءاستفاده از قدرت رسانه‌ها زمینه‌ساز بحران‌های فردی، ملی و فراملی شده است.

تهیه و انتشار مجلات رایانه‌ای با محتوای آموزش بمب‌سازی و اقدامات تروریستی، مبادله اطلاعات محرمانه و پراکندن پیام‌های نفرت، تبعیض، فساد و خشونت از طریق اینترنت، ازجمله تهدیدات رسانه‌ای است. شبکه‌های رایانه‌ای نیز از حملات خرابکارانه مصون نیستند؛ اطلاعات نابود، ناقص یا تحریف می‌شوند و ویروس‌های ویرانگر منتشر می‌گردند. رسانه‌ها قادرند دولت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کنند. با گسترش ماهواره‌ها و اینترنت، مرزهای جغرافیایی از بین رفته و اصل حاکمیت دولت‌ها نادیده گرفته شده است. این امر موجب بحران مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، تردید در کارآمدی حکومت‌ها، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و اختلال در ارتباط دولت-ملت شده است (فلاح شریف، ۱۳۸۴: ۵۷).

سواد رسانه‌ای و بحران امنیتی

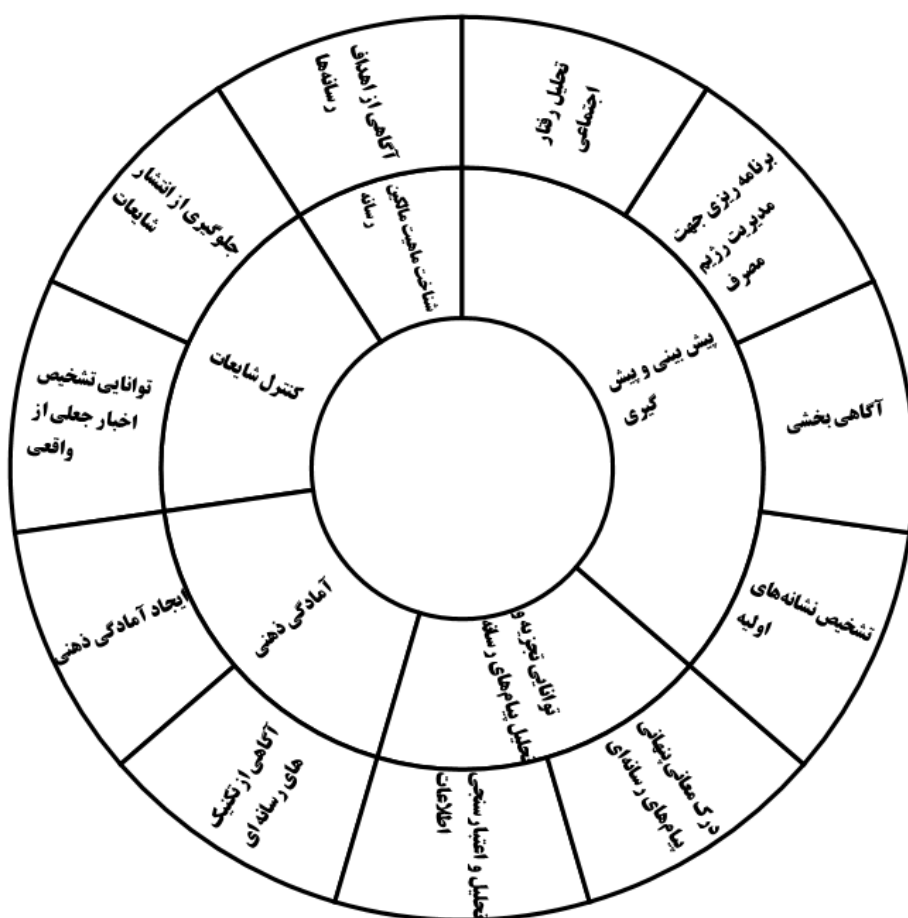
در مواجهه با بحران‌های امنیتی، سواد رسانه‌ای به عنوان یک مهارت کلیدی شناخته می‌شود. این مهارت به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات معتبر را از اخبار کذب و نادرست جدا کنند و از انتشار شایعات جلوگیری نمایند. در شرایط بحرانی که اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود، شایعات می‌توانند به تشدید اضطراب عمومی و ایجاد بحران‌های جدید منجر شوند. شهروندانی با سواد رسانه‌ای قادرند با تحلیل پیام‌ها و شناسایی منابع معتبر، آرامش جامعه را حفظ کنند.

سواد رسانه‌ای تنها به تفکیک اطلاعات صحیح محدود نمی‌شود؛ بلکه به افراد این توانایی را می‌دهد که پیام‌های رسانه‌ای را تحلیل کنند و معانی پنهان آن‌ها را درک کنند. این مهارت آن‌ها را در برابر تأثیرات منفی اطلاعات نادرست مقاوم می‌سازد و امکان مشارکت فعال در مدیریت بحران را فراهم می‌آورد.

در نهایت، ارتقای سواد رسانه‌ای در جامعه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای آگاه‌تر و مقاوم‌تر در برابر تهدیدات امنیتی کمک کند. این مهارت نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و کاهش استرس عمومی کمک می‌کند، بلکه امنیت اجتماعی و ملی را نیز تقویت می‌نماید. سواد رسانه‌ای ابزار مؤثری برای پیشگیری و کنترل بحران‌های امنیتی است و در دنیای پیچیده امروز اهمیت حیاتی دارد.

الگوی مفهومی

پس از مطالعه متون مرتبط با سواد رسانه‌ای (شهروندان) و بحران (بحران امنیتی) و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه موضوع، با راهنمایی و هدایت‌های استادان راهنما و مشاور و خبرگان فن، الگوی اولیه‌ای تهیه شد و با انجام مصاحبه با خبرگان داخلی، ضمن مقایسه و تلفیق شاخص‌های به دست آمده از ادبیات تحقیق و نظرات خبرگان، چارچوب پژوهش و مدل مفهومی تحقیق ارائه و بر اساس آن پرسش‌نامه تهیه گردید.



شکل ۳- الگوی مفهومی شاخص‌های احصا شده در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی بر اساس ادبیات تحقیق و مصاحبه با صاحب‌نظران

این مدل مفهومی به بررسی نقش سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی می‌پردازد:

در دوران تکوین یا شکل‌گیری بحران، سواد رسانه‌ای به شهروندان کمک می‌کند تا نشانه‌های اولیه بحران را شناسایی کنند. این شناسایی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با آگاهی بخشی به دیگران، از گسترش بحران جلوگیری کنند. توانایی برنامه‌ریزی برای مدیریت رژیم مصرف رسانه نیز به آن‌ها کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری اطلاعات را تحلیل کرده و رفتار اجتماعی خود را در مواجهه با بحران تنظیم کنند.

در این مرحله، کنترل شایعات اهمیت ویژه‌ای دارد. شهروندان با توانایی تشخیص اخبار واقعی از اخبار جعلی می‌توانند از انتشار شایعات جلوگیری کنند و به‌این‌ترتیب، فضای اجتماعی را از تنش و اضطراب دور نگه دارند. شهروندان با شناخت ماهیت مالکین رسانه و اهداف آن‌ها، بهتر می‌توانند پیام‌های رسانه‌ای را تجزیه و تحلیل کنند.

داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی انجام شده است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی-تحلیلی و پیمایشی طراحی شده است. در این تحقیق، شاخص‌های شکل‌گیری بحران‌های امنیتی به‌عنوان معیارهای اصلی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و حجم آن

جامعه آماری شامل ۷۰ نفر از خبرگان و کارشناسان در حوزه رسانه، سواد رسانه‌ای و بحران‌های امنیتی است. ترکیب جامعه آماری به شرح زیر است:

جدول ۱- جامعه آماری

تعداد	قسمت
۲۳	دکتری (سواد رسانه، بحران)
۳۷	کارشناسی ارشد (سواد رسانه، بحران)
۱۰	کارشناسی (سواد رسانه، بحران)
۷۰	جمع کل

روش نمونه‌گیری و حجم آن:

به دلیل محدود بودن جامعه آماری، از روش تمام‌شماری استفاده شده است. تمام ۷۰ پرسش‌نامه توزیع شده تکمیل و بازگردانده شدند.

جدول ۲- توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	درصد
دکتری	۲۳	۳۳
کارشناسی ارشد	۳۷	۵۳
کارشناسی	۱۰	۱۴
جمع	۷۰	۱۰۰

روش‌های گردآوری اطلاعات

روش کتابخانه‌ای: برای تدوین مبانی نظری و پیشینه تحقیق از منابعی مانند کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌ها استفاده شد.

روش میدانی: داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با جامعه آماری جمع‌آوری شدند.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

پرسش‌نامه: بر مبنای شاخص‌های شکل‌گیری بحران امنیتی، طراحی شده و شامل ۱۴ سؤال است. مقیاس لیکرت ۵ تایی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) برای ارزیابی پاسخ‌ها استفاده شده است.

مصاحبه: برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی از خبرگان.

مطالعات کتابخانه‌ای: برای استخراج شاخص‌ها و مبانی نظری.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel و با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شده‌اند.

آمار توصیفی: برای ارائه جدول‌های شاخص‌های آماری، توزیع فراوانی و نمودارها.

آمار استنباطی: شامل آزمون‌های خی‌دو و فریدمن، جهت ارزیابی فرضیه‌ها و رتبه‌بندی شاخص‌های کلیدی.

روایی و پایایی پرسش‌نامه

روایی: روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی به دست آمده است. برای این منظور، سؤالات پرسشنامه که نتیجه مطالعه اسناد و مدارک معتبر در حوزه سواد رسانه‌ای و بحران امنیتی، جستجو در اینترنت و استفاده از نظرات نخبگان و خبرگان داخلی بود، در اختیار متخصصان و کارشناسان آگاه به موضوع پژوهش قرار گرفت. طی جلساتی با استفاده از خرد جمعی متخصصین، نسبت به اصلاح و استانداردسازی آن اقدام شد و در نهایت با ارائه نتایج به اساتید راهنما و مشاور، روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی: برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برای سؤالات حوزه شکل‌گیری (۰/۸۷۸) به دست آمده است که بیشتر از ۰/۷ بوده است؛ بنابراین پرسشنامه در حوزه‌های شکل‌گیری بحران امنیتی از ضریب اعتماد یا پایایی مطلوبی برخوردار است.

فرایند اجرای تحقیق

در این تحقیق پس از مطالعه متون مرتبط با سواد رسانه‌ای و شکل‌گیری بحران امنیتی و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، با راهنمایی و هدایت‌های اساتید راهنما و مشاور و خبرگان فن، الگوی اولیه‌ای تهیه شد و با انجام مصاحبه با خبرگان داخلی، ضمن مقایسه و تلفیق شاخص‌های به دست آمده از ادبیات تحقیق و نظرات خبرگان، چارچوب پژوهش و مدل مفهومی تحقیق ارائه و بر اساس آن پرسشنامه تهیه گردید. پرسشنامه نهایی به تعداد ۷۰ پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های مختلف آماری توصیفی و استنباطی و با به کارگیری نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL، تجزیه و تحلیل داده‌های استخراجی از پرسشنامه شروع و در نهایت نتایج به دست آمده در زیر ارائه می‌گردد.

تجزیه و تحلیل استنباطی فرضیه‌ها

در این قسمت با استفاده از آزمون فریدمن به رتبه‌بندی شاخص‌های سواد رسانه در حوزه شکل‌گیری بحران امنیتی پرداخته شده است.

رتبه‌بندی شاخص‌های سواد رسانه در شکل‌گیری بحران امنیتی با استفاده از آزمون فریدمن در میان شاخص‌های سواد رسانه در شکل‌گیری بحران امنیتی، شاخص «توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و قدرت استدلال» با میانگین ۸/۹۸ بیشترین و شاخص «اعتماد به مفاد مندرج در رسانه‌های وابسته به حاکمیت» با میانگین ۶/۴۱ کمترین میانگین رتبه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. سایر ارزش‌های مربوط به میانگین رتبه‌ای متغیرها در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۳- اولویت‌بندی شاخص‌های سواد رسانه در شکل‌گیری بحران امنیتی به وسیله آزمون فریدمن

سؤالات	میانگین رتبه‌ای
سؤال ۱	توان کانالیزه سازی تفکر شهروندان با تکیه بر سواد رسانه‌ای
سؤال ۲	تشخیص اخبار واقعی از اخبار جعلی
سؤال ۳	درک مفاهیم پنهانی پیام‌های رسانه‌ای
سؤال ۴	تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی
سؤال ۵	توانایی برنامه‌ریزی در جهت مدیریت رژیم مصرف رسانه‌ای
سؤال ۶	شکل‌دهی ارزش‌ها و باورهای ذهنی شهروندان
سؤال ۷	تعیین میزان و نحوه استفاده از هر رسانه
سؤال ۸	توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و قدرت استدلال
سؤال ۹	شناخت ماهیت مالکین رسانه
سؤال ۱۰	شناخت منزلت و موقعیت اجتماعی منبع پیام منتشره
سؤال ۱۱	آشنایی با تکنیک‌های جریان سازی رسانه‌ای
سؤال ۱۲	وارد کردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور
سؤال ۱۳	اعتماد به مفاد مندرج در رسانه‌های وابسته به حاکمیت
سؤال ۱۴	اعتبار اطلاعات درج شده در رسانه‌های وابسته به حاکمیت

آماره‌های آزمون	
حجم	۷۰
ارزش آماره	۶۰/۲۲۹
درجه آزادی	۱۳
سطح معنی‌داری	۰۰۰.

با توجه به اینکه ارزش‌خی دوی مشاهده‌شده ۶۰/۲۲۹ در درجه آزادی ۱۳ معنی‌دار است، در نتیجه استنباط می‌شود که تفاوت بین میانگین‌های رتبه‌ای متغیرهای مربوط به سواد رسانه در شکل‌گیری بحران امنیتی معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی نقش سواد رسانه‌ای در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی انجام شده است و یافته‌ها بر اهمیت حیاتی آن در مقابله با چالش‌های امنیتی کنونی تأکید دارد. در دنیایی که رسانه‌ها افکار عمومی را شکل می‌دهند، سواد رسانه‌ای برای حفظ امنیت فردی و اجتماعی ضروری است.

یافته‌های این پژوهش، بر اهمیت بی‌بدیل سواد رسانه‌ای در توانمندسازی شهروندان در مواجهه با بحران‌های امنیتی تأکید دارد. سواد رسانه‌ای، به مثابه سپری است که شهروندان را در برابر سیل اطلاعات نادرست و شایعاتی که در زمان بحران منتشر می‌شوند، محافظت می‌کند. این مهارت‌ها، توانایی تحلیل انتقادی اطلاعات، ارزیابی منابع و تشخیص اخبار جعلی را در اختیار افراد قرار می‌دهد و آن‌ها را قادر می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌های خود در شرایط بحرانی، آگاهانه عمل کنند.

تحقیق حاضر، نشان‌داد رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای در مدیریت بحران ایفا می‌کنند؛ انتشار اطلاعات دقیق می‌تواند آگاهی و همبستگی را تقویت کند، اما اخبار نادرست می‌تواند بحران را تشدید و اعتماد عمومی را تضعیف کند؛ بنابراین، کمبود سواد رسانه‌ای در مواجهه با انتشار گسترده اطلاعات نادرست از طریق رسانه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران‌های امنیتی و تشدید آن‌ها شود.

بنابراین، توجه به سواد رسانه‌ای و ارتقاء آن باید یک اولویت در نظر گرفته شود تا جامعه‌ای آگاه و مقاوم در برابر تهدیدات امنیتی ایجاد شود و از شکل‌گیری بحران‌ها جلوگیری شود.

بررسی سؤالات تحقیق

سواد رسانه‌ای شهروندان در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی چه نقشی دارد؟
سواد رسانه‌ای به عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل می‌کند و به شهروندان کمک می‌کند تا نشانه‌های اولیه بحران را شناسایی کنند. با آگاهی از تکنیک‌های رسانه‌ای و توانایی تحلیل اطلاعات، شهروندان می‌توانند به موقع واکنش نشان دهند و از شکل‌گیری بحران جلوگیری کنند. این آگاهی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در مواجهه با اطلاعات نادرست و شایعات، به سرعت عمل کنند.
با توجه به تجزیه و تحلیل انجام شده، شاخص‌های مؤثر بر شکل‌گیری بحران امنیتی به ترتیب به شرح زیر است:

- ۱- توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و قدرت استدلال
 - ۲- تشخیص اخبار واقعی از اخبار جعلی
 - ۳- توان کانالیزه سازی تفکر شهروندان با تکیه بر سواد رسانه‌ای
 - ۴- وارد کردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور
 - ۵- تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی
 - ۶- آشنایی با تکنیک‌های جریان سازی رسانه‌ای
 - ۷- شکل دهی ارزش‌ها و باورهای ذهنی شهروندان
 - ۸- درک مفاهیم پنهانی پیام‌های رسانه‌ای
 - ۹- شناخت منزلت و موقعیت اجتماعی منبع پیام منتشره
 - ۱۰- توانایی برنامه‌ریزی در جهت مدیریت رژیم مصرف رسانه‌ای
 - ۱۱- اعتبار اطلاعات درج شده در رسانه‌های وابسته به حاکمیت
 - ۱۲- شناخت ماهیت مالکین رسانه
 - ۱۳- تعیین میزان و نحوه استفاده از هر رسانه
 - ۱۴- اعتماد به مفاد مندرج در رسانه‌های وابسته به حاکمیت
- در میان شاخص‌های سواد رسانه در شکل‌گیری بحران امنیتی، شاخص «توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و قدرت استدلال» با میانگین ۸/۹۸ بیشترین و شاخص

«اعتماد به مفاد مندرج در رسانه‌های وابسته به حاکمیت» با میانگین ۶/۴۱ کمترین میانگین رتبه‌ای را در آزمون فریدمن به خود اختصاص داده‌اند.

توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای به معنای توانایی فرد در شناسایی و ارزیابی محتوای رسانه‌ای است. این شامل درک منبع پیام، هدف آن و تأثیرات احتمالی آن بر جامعه می‌شود. در بحران‌های امنیتی، این توانایی به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات را به دقت بررسی کنند و از انتشار شایعات جلوگیری کنند.

قدرت استدلال نیز به توانایی فرد در تحلیل منطقی و انتقادی اطلاعات اشاره دارد. این مهارت به افراد کمک می‌کند تا استدلال‌های قوی و مستند ارائه دهند و در مواجهه با اطلاعات نادرست، به بحث و گفت‌وگو بپردازند.

ارتقای مستمر توانایی تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و قدرت استدلال در جامعه، به عنوان یک اقدام پیشگیرانه عمل کرده و زمینه را برای شکل‌گیری بحران‌های ناشی از اطلاعات نادرست و شایعات به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. درواقع، تقویت این دو مهارت، شهروندان را به ابزاری قدرتمند برای مدیریت اطلاعات و واکنش آگاهانه در شرایط بحرانی مجهز می‌کند و از تبدیل شدن اطلاعات نادرست به بستری برای تشدید بحران جلوگیری می‌نماید.

پیشنهادهای اجرایی

الف) آموزش و آگاهی بخشی:

۱. برنامه‌های آموزشی نظام‌مند: طراحی برنامه‌های جامع در مدارس و دانشگاه‌ها با محوریت تفکر انتقادی، ارزیابی منابع، تشخیص اخبار جعلی و استفاده صحیح از رسانه‌ها.

۲. استفاده از سامانه‌های نوین: تولید محتوای آموزشی کوتاه و جذاب در پلتفرم‌های آنلاین برای ارتقای سواد رسانه‌ای عمومی.

۳. آموزش معلمان: توانمندسازی معلمان برای تدریس سواد رسانه‌ای و ادغام آن در دروس. (ب) همکاری و مشارکت:

۱. همکاری با رسانه‌ها: همکاری نزدیک با رسانه‌ها برای انتشار محتوای آموزشی و رعایت اخلاق حرفه‌ای، به‌ویژه در زمان بحران.

۲. شبکه‌سازی: ایجاد شبکه‌های حمایتی از نهادهای مختلف (دولتی، غیردولتی، رسانه‌ها). برای ترویج سواد رسانه‌ای و مدیریت بحران.
ج) تدوین سیاست‌ها و مقررات: تدوین سیاست‌های دولتی و تخصیص بودجه برای ترویج سواد رسانه‌ای.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

۱. تحلیل تأثیر سواد رسانه‌ای بر گروه‌های سنی مختلف: بررسی نیازها و چالش‌های گروه‌های سنی مختلف در مواجهه با اطلاعات نادرست و بحران‌ها.
۲. نقش رسانه‌های اجتماعی در بحران‌های امنیتی: بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در انتشار اطلاعات نادرست و اثربخشی سواد رسانه‌ای در مقابله با آن.
۳. تأثیر سواد رسانه‌ای بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی: بررسی تأثیر سواد رسانه‌ای بر مشارکت شهروندان در فرایندهای دموکراتیک و اجتماعی در زمان بحران.
۴. تحلیل استراتژی‌های اقناع‌سازی در بحران: بررسی روش‌های اقناع‌سازی در زمان بحران و نقش سواد رسانه‌ای در ایجاد اعتماد عمومی.

منابع

- ارجمندی، غلام‌رضا (۱۳۸۶). مهارت‌های سواد رسانه‌ای؛ مهارت‌های زندگی ۱، تهران: دانشگاه پیام نور.
- اسمعیل پونکی الهام و اسمعیلی گیوی محمدرضا و فهیم نیا فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی در بین دانشجویان علوم ارتباطات، فصلنامه علمی پژوهشی دوره ۳۲، شماره ۲.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن.
- باکینگهام، دیوید (۱۳۸۹)، آموزش سواد رسانه‌ای. ترجمه حسین سرافراز، دانشگاه امام صادق (ع).
- برچر، مایکل (۱۳۸۲)، بحران در سیاست جهان، مترجم حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پایسته، مهسا (۱۴۰۰)، تبیین نقش سواد رسانه‌ای در برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی و معیشتی ایران، دانشکده علوم انسانی.
- پاتر، جیمز دبلیو (۲۰۰۴)، نظریه سواد رسانه‌ای رهیافتی شناختی، ترجمه ناصر اسدی، محمد سلطانی‌فر و شهناز هاشمی، تهران: سیمای شرق.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- حیدری، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، سواد رسانه در بحران‌های اجتماعی، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- دادگران، محمد (۱۳۸۴)، افکار عمومی و معیارهای سنجش آن، تهران: چاپ دوم، مروارید.
- دانش‌آرا، عبدالکریم (۱۳۹۰)، بررسی میزان آشنایی آموزگاران با آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی شهر دزفول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دزفول: دزفول.
- رابینسون، جیمز (۱۳۷۵)، بحران، در گزیده مقالات سیاسی و امنیتی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: مترجم، جلد اول.
- رضایی، مریم (۱۳۹۰)، سواد رسانه‌ای، ضرورت دنیای امروز برای درک پیچیدگی محیطی. افق رسانه، شماره ۸۹.
- زنگنه مقدم، محسن - داودی، سیروس - حاجی‌پور، ابراهیم - ساوه درودی، مصطفی (۱۴۰۱)، شناسایی و تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های امنیتی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی سال یکم بهار ۱۴۰۲ شماره ۱.
- ساوه درودی، مصطفی و پوریانی، جابر و چشمه نور، مرتضی (۱۳۹۷)، سواد رسانه‌ای و مدیریت بحران چاپ اول، تهران: انتشارات پشتیبان.
- ساوه درودی حجت اله (۱۳۹۳)، نقش رسانه‌ها در کنترل بحران‌های سیاسی، چاپ اول، تهران انتشارات دانشکده فارابی.
- ساوه درودی، مصطفی (۱۴۰۱)، هندسه امنیت در مدیریت بحران (با تأکید بر محیط امنیتی ج.ا.ا)، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- سپاسگر، ملیحه (۱۳۸۴)، رویکرد نظامی به سواد رسانه‌ای، فصلنامه پژوهش، شماره ۱۲.
- شبیری مهسا (۱۳۹۵)، بررسی شکل‌گیری بحران و ارائه مدل مفهومی مدیریت بحران در سازمان‌های رسانه‌ای، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کارآفرینی شهریور ۹۵.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۵)، سواد رسانه‌ای، یک مقاله عقیدتی، فصلنامه رسانه، شماره ۶۸.

- شکرخواه یونس (۱۳۸۹)، سواد رسانه‌ای چیست؟ ماهنامه صدای جمهوری اسلامی ایران.
- شعبی، محمد (۱۳۹۰)، انواع رسانه، پایگاه اینترنتی روابط عمومی و ارتباط رسانه.
- شهیدی خواه، احمد (۱۳۹۴)، مسئولیت رسانه‌های همگانی در فقه و حقوق موضوع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث.
- صالحی امیری سیدرضا (۱۳۹۵)، سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی، مقالات منتخب همایش ملی: تهران.
- صافی، عبدالکریم (۱۳۸۵)، وسایل ارتباط همگانی در گفتمان تمدن‌ها. مجله جامعه مدنی. سال چهارم. شماره اول.
- صلواتیان، سیوش (۱۳۸۹)، درس‌نامه‌ها و مدیریت بحران، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.
- طاهریان، مریم (۱۳۸۷)، سواد رسانه‌ای، آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوان. پژوهشنامه سواد رسانه‌ای، پژوهشکده تحقیقات استراتژی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طلوعی، علی (۱۳۹۱)، سواد رسانه‌ای، درآمدی بر شیوه‌یادگیری و سنجش تهران نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، چاپ ۱.
- علیخانی صدر، مهدی (۱۳۹۵)، مدیریت جامع بحران‌های امنیتی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ (با تأکید بر بحران‌های سیاسی - اجتماعی)، تهران: انتشارات دانشگاه علوم و فنون فارابی.
- قادری مطلب (۱۳۹۲)، رابطه سواد رسانه‌ای با میزان مهارت تفکر انتقادی در مدیران سازمان‌های شهرستان بانه. اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی.
- قاسمیان، عابد (۱۳۸۲)، بحران اطلاعات، رشت: نشر ستوده.
- قنبری، سعید و آزاد دوست، مصطفی (۱۳۹۶)، کارکردها و رویکردهای رسانه در مدیریت بحران. فصلنامه مدیریت رسانه. شماره ۳۰ و ۳۱.
- مالکی، محمد (۱۳۹۸)، نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران، فصلنامه علوم خبری، سال ۸ شماره ۳۲.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۷)، نقد و بررسی نظریه‌های موجود درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران با تأکید بر نظریه آوین تافلر، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵.
- ناصری گل، رضا (۱۳۹۹)، راهبردهای رسانه‌ای مواجهه با بحران‌های سیاسی اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله)، دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- نصراللهی، اکبر (۱۳۹۱)، چگونگی مدیریت بحران به‌وسیله رسانه و عوامل مؤثر بر کارکرد آن، سال ۲۳، شماره ۱.
- نصیری بهاره، بخشی بهاره و هاشمی سیدمحمود، (۱۳۹۱)، اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در قرن بیست و یکم، شماره ۱۸.
- یزدان پناه، مهشید (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی و مدیریت بحران، مجله تدبیر، شماره ۱۲۷.
- یوسفی، رسول و محمدی، مجید (۱۴۰۱)، تبیین عوامل مؤثر در بروز بحران‌های اجتماعی - امنیتی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۱۰ شماره ۲۲.
- Aryanpour (2000), progressive Dictionary: Oversea Version.
- Hobbs, R (2016). Exploring the roots of digital and media literacy through personal

narrative. Temple University Press.

- Hermann, C.F (1963)◦ some consequences of crisis which limit the viability of organization, Administrative Science Quarterly,
- Perrow, C (1948)◦ Normal Accident.N.Y:Basic Books